

پژوهشی در بیمه‌های اجتماعی روستائی در کشور فرانسه (تجارب و تحولات)

دکتر منصور وثوقی

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده:

جامعه روستایی ایران در طول قرون و اعصار پیوسته مورد ظلم و ستم حاکمیت‌های زمان قرار داشته و علیرغم شکل‌گیری قوانین مدنی و توجه به رفاه و توسعه در یکصد سال اخیر متأسفانه این قشر همچنان مورد بی‌توجهی دولت‌ها بوده‌اند و هرگونه برنامه‌های عمرانی، حقوق بیمه، مشارکت اجتماعی و دیگر مسایل آن‌ها هنوز سامان و راهکار مناسبی نیافته است. با نظر به آنچه گفته شده، از آنجا که دین زمینه مسایل مربوط به بیمه‌های اجتماعی روستایی، کشور فرانسه یکی از پیشرفته‌ترین الگوهای فعلی به شمار می‌رود، این مقاله به بررسی مقوله مذکور در آنجا می‌پردازد.

واژگان کلیدی: روستا، جامعه روستایی، فرانسه، بیمه، بیمه روستایی.

طرح مسئله

جامعه روستایی ایران، در طول قرون و اعصار پیوسته مورد ظلم و ستم حاکمیت‌های زمان قرار داشته‌و در یکصد سال اخیر نیز که قوانین مدنی و توجه به رفاه و توسعه آهنگ جدیدی یافته است، روستاییان ماکماکان مورد بی‌توجهی و کم‌تفاتی دولت‌ها

بوده‌اند. چنانچه بعد از انقلاب مشروطیت تا سال ۱۳۱۴ شمسی امور جامعه روستائی به روال گذشته اداره می‌شد و هیچ قانون و آئین‌نامه قانونی که بتواند موجب تحوّل در شرایط اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی در جامعه روستائی گردد وجود نداشت و اولین قانون عمرانی تنها در آبان‌ماه ۱۳۱۶ به تصویب رسید. در حقیقت در طول نظام ارباب رعیتی در ایران و حتی پس از تشکیل مجلس شورای ملی نیز نظر به اینکه مالکان اراضی به عنوان نمایندگان رعایا به مجلس راه می‌یافتند، در عمل قوانینی را که در جهت منافع روستاییان در شرف تکوین بود خنثی می‌کردند و در همین راستا، موضوع بهداشت مناطق روستائی، بیمه‌های اجتماعی از جمله موضوعاتی است که تا برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷-۵۱) به هیچ وجه مد نظر و توجه مسئولین قرار نداشته است. نخستین بار، در برنامه چهارم عمرانی فصل خاصی در باره بیمه‌های اجتماعی روستاییان در نظر گرفته شد که هدف از آن تعمیم بیمه‌های اجتماعی به ساکنین روستاها بود. بر این اساس، در خرداد ۱۳۴۸ قانون بیمه‌های اجتماعی روستاییان به تصویب رسید و وزارت تعاون و امور روستاها تأسیس "سازمان بیمه‌های اجتماعی روستاییان" را بر عهده گرفت. اما اجرای قانون بیمه‌های اجتماعی روستاییان، علیرغم آن که در سال ۱۳۷۰ آیین‌نامه‌ای نیز برای آن تدوین گردیده است، تاکنون معوق مانده و مشکلات فراوانی، از جمله بحسابه و دریافت حق بیمه، نحوه مشارکت روستاییان، تنوع اقسام مختلف جامعه روستائی و ده‌ها مشکل دیگر، در مقابل اجرا و گسترش آن وجود داشته است که پیدا کردن راه حل‌های عملی و اجرای آنها انجام پژوهشی گسترده و الگویی متناسب را ایجاب می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، نویسنده این مقاله مطالعه در باب بیمه‌های اجتماعی روستائی در کشور فرانسه را - که بی تردید دارای یکی از پیشرفته‌ترین الگوهای تأمین اجتماعی جهان امروز است - در سفر فرصت مطالعاتی بر عهده خود قرارداد و در حقیقت، این مقاله برگرفته از پژوهشی است که در این راستا انجام گرفته است.

اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش، دستیابی به اطلاعاتی در زمینه‌های زیر است.

- استفاده از تجربه کشور فرانسه در اجرای طرح بیمه روستائی در ایران؛

- اولین تشکیلات بیمه‌ای؛

- شناخت مشکلات و محدودیت‌های آغازین؛

- سازماندهی، مدیریت و بار مالی بیمه‌های اجتماعی روستائی؛

- اقشار مختلف تحت پوشش؛

- انواع حمایت‌های اقشار تحت پوشش؛

- ساختار و تحولات ساختاری بیمه‌های روستائی در قرن بیستم؛

روش مطالعه و مراکز علمی مورد مراجعه

این پژوهش با روش اسنادی و با استفاده از تکنیک فیش برداری و با مراجعه به مراکز علمی و پژوهشی کشور فرانسه انجام گرفته است. اهم مراکز و کتابخانه‌های معتبری که منابع و مأخذ مربوط به پژوهش در آنها مورد مطالعه قرار گرفته است به قرار زیر می‌باشد.

۱- کتابخانه ملی فرانسه (Bibliothèque Nationale) معروف به کتابخانه فرانسوا میتران.

۲- کتابخانه دانشگاه سوربن (پاریس ۵- زنه دکارت) (Bibliothèque de la Sorbonne)؛

۳- کتابخانه سن ژنویو (Bibliothèque Saint - Genevieve) مربوط به زشته‌های اقتصاد و حقوق دانشگاه سوربن - پاریس ۲؛

۴- کتابخانه وزارت کشاورزی فرانسه؛

۵- کتابخانه خانه علوم و انسان (Maison des Sciences et de l'homme)؛

۶- کتابخانه دانشگاه پاریس ۸، سن دنی (Université Paris 8, Saint-Denis)؛

۷- کتابخانه مؤسسه جغرافیا (وابسته به سوربن) (Institut de Géographie)؛

۸- کتابخانه مرکز فرهنگی ژرژ پمپیدو (Centre-Georges Pompidou)؛

۹- مؤسسه ملی مطالعات مربوط به کشاورزی، بخش اقتصاد و جامعه‌شناسی روستائی.

Institut National de la Recherche Economique.

(Economie et Sociologie Rurale Dep)

۱۰ - مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه (Cnea).

دیدگاه‌های نظری

در طول دومین جنگ جهانی، بیانیه‌های جهانی بی‌شماری با تأکید بر مسئولیت‌های دولت‌ها به لحاظ اجتماعی و اقتصادی در ارتباط با حقوق انسان‌ها منتشر گردید که از آن جمله‌اند: پیمان آتلانتیک، بیانیه فیلادلفی که طی آن مفهوم تأمین اجتماعی در اسناد رسمی سازمان بین‌المللی کار (O.I.T) جا افتاد و پیمان سازمان ملل متحد. پس از جنگ نیز در سطح بین‌المللی جنبش وسیعی از برخورد افکار و عقاید در ارتباط با تأمین اجتماعی شکل گرفت. این برخورد آراء و عقاید در درون سازمان ملل، سازمان بین‌المللی کار و شورای اروپا، در جهات و زمینه‌های مختلف موضوع تأمین اجتماعی را مورد بحث قرار دادند. بیانیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، در ماده ۲۲ خود اصل زیر را بیان نموده است:

"هر فرد به عنوان عضو جامعه حق استفاده از تأمین اجتماعی دارد و مجاز است که امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه شایستگی و رشد آزادانه شخصیت اوست در سطح کلی و همکاری‌های بین‌المللی در حد امکانات و منافع هر کشور به دست آورد."

عهد نامه شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار (O.I.T) تأمین اجتماعی را اینگونه تعریف کرده است: "تأمین اجتماعی به منزله حمایتی است که جامعه در قبال خطرات اجتماعی و اقتصادی پدید آمده ناشی از بیماری، بارداری، از کار افتادگی، پیری، مرگ، حوادث ناشی از کار و بیماری‌های شغلی، عائله‌مندی و بیکاری به اعضاء خود ارائه می‌دهد." (ژان ژاک دی پرو، ص ۵۸).

در حقیقت، خطرات اجتماعی در قالب تأمین اجتماعی را می‌توان حداقل به دو رشته تقسیم نمود:

الف - خطرات جسمانی - که توانایی کار را کاهش می‌دهد مثل بیماری، پیری، از کار افتادگی.

ب - خطرات اقتصادی - که بدون کاهش نیروی کار مانع از فعالیت فرد می‌شوند مثل بیکاری، تغییر در مهازت‌ها و آموزش‌های شغلی و حوادث دیگری که بر شرایط اقتصادی افراد به گونه‌ای تأثیر می‌گذارند که ضمن کاهش در آمد افراد، باعث افزایش هزینه‌ها نیز می‌شوند. در واقع می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر سیاستهای تأمین اجتماعی در جهت تضمین نوعی تأمین اقتصادی در مقابل خطرات اجتماعی کوشش به عمل می‌آورد، در واقع، این حمایتها به منظور امکان رشد و شکوفائی افراد جامعه است و در واقع در بطن همین شکوفائی است که هدف نهایی سیاستهای تأمین اجتماعی نهفته است. ضمن آنکه ایجاد شکوفائی در فرد و خانواده، تأثیرات مستقیمی بر شرایط تعلیم و تربیت، فرهنگ، اوقات فراغت، عدالت اجتماعی و حتی مشارکت اجتماعی افراد جامعه دارد.

برای اولین بار در اروپا بر نامه‌های بیمه اجتماعی در کشور آلمان و در عصر بیسمارک، صدراعظم آلمان (در سال ۱۸۷۷)، به مرحله اجرا در آمد. این برنامه ضمن اصلاحاتی که معطوف به ایجاد رفاه اجتماعی برای کلیه اعضای جامعه و به ویژه اقشار کارگر و فقیر بود، به سرعت تحقق یافت. هدف بیسمارک از اجرای برنامه‌های رفاهی، کاهش تأثیر مالکسیسم و احزاب سوسیالیستی بود که عمیقاً در مقابل لیبرالیسم موضع‌گیری کرده و نظام سرمایه‌داری را به وحشت انداخته بودند. در ابتدا، این اصلاحات تنها طبقه کارگری شهری را مدنظر داشت ولی به تدریج از سال‌های ۱۸۸۵ تا ۱۹۰۰، بیمه تصادفات ناشی از کار به کارگران کشاورزی و سایر اقشار، و در سال ۱۹۱۱ بیمه بیماری اجباری به کارگران بخش کشاورزی و کارگران فصلی کشاورزی

تعمیم یافت. پس از آلمان، اتریش و مجارستان به آن کشور تأسی جستند و از سال ۱۹۲۰ به بعد، در دیگر کشورهای اروپائی نیز تأمین اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفت و به تصویب در آمد.

پیشینه تاریخی بیمه‌های روستائی

بیمه‌های روستائی فرانسه ریشه در نهادهائی سنتی تحت عنوان "موتو آلیته" (Mutualite) با کمک‌های متقابل دارد که سابقه آن‌ها به گذشته‌ای نسبتاً دور بر می‌گردد. روستایان مناطق مختلف اولین تشکیلات سنتی خود را در زمینهٔ خیسات و واردی پر احشام (مرگ و میر حیوانات) ایجاد نموده‌اند. قدیمی‌ترین مدارکی که در مورد وجود چنین نهادهائی وجود دارد به قرن شانزدهم و منطقه بیگور (Bigorre) بر می‌گردد.^۱ در این منطقه کوهپایه‌ای "پیرنه" تعداد قابل توجهی از روستاها در چارچوب همیاری‌های متقابل و دریافت غرامت به ایجاد چنین نهادهائی دست یازیده بودند که تاریخ شکل‌گیری آن‌ها مربوط به سال‌های ۱۵۹۰ تا ۱۷۸۵ است. در این مورد، لازم به یادآوری است که ما تنها به اسامی روستاهائی دسترسی پیدا کرده‌ایم که همیاری‌های ساکنین آن‌ها در چارچوب خسارات ناشی از تلفات دامی به صورت اسناد نوشتاری به جای مانده است؛ در حالی که طبق شواهد موجود، از غالب این نهادها آثار کتبی باقی نمانده است.

این نهادها، گاهی نیز شکل جمعیت‌های نیکوکاری مذهبی (Confretries Religieuses) را به خود می‌گرفته‌اند (مثل جمعیت نیکوکاری منطقه باسک (Basque) و یا جمعیت نیکوکاری "سن بازیل" منطقه باسپارن در سال ۱۷۸۵ و یا جمعیت منطقه سیاتون و لواری. این جمعیت‌ها همگی دارای نهادهای کمک‌های متقابل (Mutuelle) در مقابل خسارات وارده بر حیوانات اهلی بوده‌اند.

تمام این نهادها دارای ویژگی‌های عمومی به شرح زیر بوده‌اند:

۱- این نهادها تمام افراد جامعه روستائی را شامل می‌گردید و کلیه رؤسای خانواده در تصمیم‌گیری شرکت می‌نموده‌اند.

۲- مبلغ خسارت به صورت سرشکن تعیین می‌گردید و از جانب اعضاء جامعه روستائی پرداخت می‌شد. با توجه به اسناد موجود به نظر می‌رسد که برخی از روستاها (مثل روستای تره‌بون ۱۵۹۰، یوزر ۱۶۷۹ و اردیزان ۱۷۷۴) در مواردی اثاثیه افرادی که از پرداخت سهم خود امتناع می‌کردند، بنا به تقاضای شورای محل یا نخبگان محلی از آنها گرفته می‌شد و ۸ روز بعد در مجمع عمومی روستا یا در پایان مراسم مذهبی فروخته می‌شد و وجه آن به کسی که حیوانش تلف شده بود تعلق می‌گرفت. به عبارت دیگر، در این روستاها رسم بر آن بود که گوشت حیوان تلف شده را بین خانوارها با قیمت نسبتاً بالایی توزیع می‌نمودند.^۲ این نهادهای خود جوش دهقانی تا انقلاب ۱۷۸۹ برقرار بودند و از این تاریخ روستاییان منطقه مذکور سعی در ایجاد و سازمان دادن نهادهائی در ارتباط با بیمه مرگ و میر حیوانات اهلی تحت اصطلاح (Cotise) نمودند که در فارسی شاید آن را به حق بیمه یا سهم هزینه‌ای که به وسیله بیمه‌گر پرداخت می‌شود تعبیر نمود.

بر این اساس مبلغ غرامت پرداختی برای روستاییانی که به عنوان مثال گاو کار یا گاو گوشتی خود را از دست می‌دادند $\frac{۲}{۳}$ قیمت آن تعیین می‌گردید و البته از بین رفتن گاو می‌بایستی توسط شهردار و یا معاون وی تأیید می‌گردید.

در حقیقت، در این نهادهای جدید، نوعی تضمین متقابل میان اعضاء در مقابل از بین رفتن حیوانات در اثر حوادث غیر مترقبه طبیعی مطرح بود و مورد پرداخت مبلغ معین به صورت سه ماهه و یا ندرتاً سالانه بود. یکی از مراسم بسیار مهم در این نهادهای تعاونی، مرحله‌ای تحت عنوان ارزیابی یا قیمت‌گذاری بود که حیوانات را در میدان ده‌گرد می‌آوردند و با کمک دامپزشک محلی و یا نمایندگان مردم محل (Syndics) سلامتی وضعیت بهداشتی آن‌ها مورد بررسی و تأیید قرار می‌گرفت. سوداگری و نوعی برد و

باخت بر روی حیوانات در همین مکان انجام می‌گرفت.

از ابتدای قرن نوزدهم، تعداد این جوامع (Cotises) در تمام منطقه جنوب "گارون" و به ویژه در دامنه "پیرنه" افزایش یافت؛ به طوری که در سال ۱۹۰۳، بر اساس سندی به جای مانده از آن زمان، تنها در یکی از دپارتمان‌های فرانسه (Landes) تعداد ۹۰۰ تعاونی از این نوع وجود داشته است. یکی از دلایل وجود چنین نهادهایی در مناطق کوهستانی جنوب غربی آن بوده که در این مناطق واحدهای بهره‌برداری‌ها کوچک بوده و دامداری اساسی‌ترین منبع درآمد را در آخر قرن نوزدهم تشکیل می‌داده است. فعالیت این تعاونی‌ها از سال ۱۸۸۰ به تدریج نظم یافت و تأسیس آنها در دفاتر اسناد رسمی ثبت گردید. این مؤسسات همچنین با مراکز مذهبی و کشیشان رابطه بسیار نزدیکی داشتند و گاه دبیر یا منشی برخی از آنان از کشیشان بوده‌اند. حتی در برخی موارد دخالت کلیسا در این امور موجب نگرانی و اعتراض فرمانداران با معاونین آنها می‌شده است. و غالباً نگرانی آنها از بابت احتمال تبدیل این مؤسسات به کمیته‌های سیاسی و مذهبی بود. (وزارت کشاورزی فرانسه، تاریخ مونتوالیته: کشاورزی ص: ۲۵) در نهایت، می‌توان این سیستم همکاری و همیاری متقابل در بین روستاییان مناطق مختلف فرانسه را نوعی نظام بیمه‌ای تلقی نمود که در گذشته جامعه روستائی با کمک آن می‌توانست مشکلات خود را برطرف سازد.

پروژه‌های نخستین در ارتباط با بیمه‌های روستایی

اولین کوششهایی که در راستای ارائه پروژه‌های بیمه‌ای به عمل آمد، به دوران بعد از انقلاب ۱۷۸۹ برمی‌گردد. پیشنهادهای در زمینه صندوقی به نام "صندوق ملی" در سال ۱۷۹۲، دفتر بیمه محصولات، قانون روستا، "صندوق ذخیره ملی"، ایجاد بیمه‌های دولتی و بالاخره صندوقی تحت عنوان صندوق عمومی بیمه‌های کشاورزی، توسط افراد و گروه‌های مختلف، از جمله طرفداران سوسیالیسم تخیلی، ارائه گردید. نکته قابل توجه

در این مورد آن است که این کوشش‌ها غالباً از جانب برخی مسئولین بلند پایه کشور و از جمله شخص امپراطور (ناپلئون سوم) مورد تأکید بوده است؛ چنانکه در سال ۱۸۵۷ وقتی پروژه تأسیس صندوق عمومی بیمه‌های کشاورزی در شورای دولتی مورد مخالفت محافل لیبرال قرار گرفت، ناپلئون سوم علیرغم مخالفت‌ها کارشناسی بنام پرون را مأمور به تأسیس صندوق عمومی بیمه کشاورزی در قالب تشکیلاتی خصوصی نمود.

تشکیلات بیمه‌ای در قالب سندیکالیسم:

اولین قانون تشکیلات سندیکائی روستائی در فرانسه به مارس ۱۸۸۴ بر می‌گردد؛ تاریخی که روستاییان موفق شدند در چارچوب سندیکاهای حرفه‌ای دارای تشکیلات صنفی شوند و بدین ترتیب، سندیکاهای کشاورزی اجازه تأسیس سازمان بازنشستگی و کمک‌های متقابل را دریافت نمودند و این اولین گام در مقابل وجود شرایط نابرابر لیبرالیسم اقتصادی حاکم بر جامعه آن زمان است. در آخر قرن نوزدهم، در فرانسه، تعداد ۱۸۲۴ سندیکای کشاورزی با ۴۹۱۰۸۶ نفر عضو وجود داشته است و در اوایل قرن بیستم (سال ۱۹۰۸) تعداد سندیکاهای کشاورزی به ۵۱۸۴ و تعداد اعضای آنها به ۸۷۰۰۸۶ نفر بالغ گردید. به زودی این سندیکاها در درون خود سازمان‌های متعددی را به وجود آوردند.

قانون ۴ ژوئیه ۱۹۰۰ موجودیت بیمه‌های اجتماعی روستائی را به رسمیت شناخت و آن را موتوالیته نامید. این قانون، اصولی را مطرح نمود که اساس توسعه نهاد بیمه‌های اجتماعی روستائی قرار گرفت. این اصول عبارت‌اند از همبستگی، همکاری صنفی و مدیریت افتخاری توسط مسئولین منتخب.

استقرار اولین ساختار قانونی بیمه‌های روستائی (۱۹۲۸)

ساختار قانونی و مستقل بیمه‌های اجتماعی از فردای جنگ جهانی اول در ارتباط با بیمه

بیماری حوادث ناشی از کار و از کار افتادگی مورد بحث قرار گرفت و قانون آن بالاخره در سال ۱۹۲۸ تصویب شد. این قانون کشاورزان را در چارچوب همان رژیم قرار داد که سایر کارکنان بخش صنعت و تجارب را پوشش می داد. بر اساس این قانون که با مختصر تغییراتی در ۱۹۳۰ دوباره به تصویب رسید، کارگرانی که مزد آن‌ها کمتر از سقف معینی بود، می توانستند از بیمه بیماری، یارداری، فوت و پیری استفاده کنند.

اصول مهم قانون ۵ آوریل ۱۹۲۸ عبارت بودند از:

- ۱- پنج مورد بیماری، کمک‌های خانوادگی، از کار افتادگی، فوت و پیری در یک بیمه واحد متمرکز گردید.
- ۲- حق بیمه پرداختی، ۱۰ درصد درآمد مزد بگیر بود و کارفرما و حقوق بگیر به طور مساوی در پرداخت آن مشارکت داشتند؛
- ۳- دولت هزینه‌های اداره سازمان‌های متصدی و اجرای این برنامه و نیز برخی از کمک‌ها را بر عهده گرفت؛
- ۴- قانون، میان افراد تحت پوشش اجباری و اختیاری تمایز قائل شد؛
- ۵- کسانی که تنها و یا با خانواده خود کار می‌کنند، مشابه کارگران کشاورز در نظر گرفته شدند؛
- ۶- اداره بیمه‌های اجتماعی در هر دپارتمان به یک صندوق دپارتمانی واحد محول شد. (آلن بارژو، ج ۴، ص ۵۲)

مشکلات اجرای قانون و مقاومت کشاورزان در مقابل آن

علیرغم مخالفت با این قانون، سندیکاهای کشاورزی تمام کوشش خود را برای اجرای آن به کار بردند. کوشش آن‌ها در وهله اول متوجه بهره‌برداران کوچک به عنوان مشمولین اختیاری بودند، زیرا قانون تنها کارگران کشاورز را در نظر گرفته بود، بهره‌برداران کوچک که اکثریت کشاورزان را تشکیل می‌دادند، از آن محروم شده بودند. از

طرف دیگر، تصویب قانون ۳۰ - ۱۹۲۸ موجب شکل‌گیری نهضتی تحت عنوان "دفاع از دهقانان" به ویژه در مناطق تهیه شراب سیب و تولید گیاهان داروئی گردید که به صورت بسیار گسترده‌ای علیه بیمه‌های اجتماعی مبارزه می‌کردند و قوانین اجتماعی را نوعی مالیات‌گیری تلقی می‌کردند.

در راستای همین مقاومت‌ها بود که جنبش دورژریست (Dorgeriste) پا گرفت که کشاورزان را تشویق به عدم پرداخت حق بیمه می‌نمود. این جنبش در برخی از مناطق مثل "ماین" (Mayenne) "سارت" (Sarthe) "کالوادوس" (Calvados) بسیار خشن و شدید بود و کشاورزان این قانون را احمقانه و مسخره خواندند و به همین دلیل با وجود تمام مزایائی که قانون سال ۱۹۳۰ (که اصلاح شده قانون ۱۹۲۸ بود) برای کشاورزان در نظر گرفته بود، در ابتدا موفقیت چندانی به دست نیاورد؛ به طوری که یکسال پس از اجرای آن تعداد اعضاء به ۵۰۰/۰۰۰ نفر (معادل کمتر از ۲۵ درصد جمعیت کشاورز) بالغ شد. (فرانسواز ماندرشید، ص ۲۷)

تداوم اصلاحات به منظور حصول به قانون کاملی در زمینه بیمه‌های روستائی یکی از ویژگی‌های فرایند تحولات بیمه‌های روستائی فرانسه تلاش پیگیری است که در جهت بهبود و اصلاحات تدریجی قوانین آن به عمل آمده است. این تلاش‌ها را می‌توان در مقاطع تاریخی نه چندان فاصله دار بعد از استقرار اولین ساختارهای قانونی (سال ۱۹۲۸) مشاهده نمود:

- طبق قانون ۱۹۳۵ گروههایی به شرح زیر تحت پوشش قرار داشته‌اند:
- ۱- کارگران شاغل در کشاورزی و جنگل که پیش از آن در ارتباط با خطرات ناشی از کار تحت پوشش بوده‌اند؛
 - ۲- کارگران پیشینه‌های روستائی که عضو یا غیر عضو سندیکا‌های کشاورزی بوده‌اند؛
 - ۳- کارگران دروگر، شاغل در کار خرمن‌کوبی و جمع‌آوری محصولات کشاورزی؛

۴- کارکنان سیدکاه‌های کشاورزی؛

۵- کارکنان صندوق‌های بیمه یا موتوالیته‌های کشاورزی که طبق قانون سال ۱۹۰۰ اداره می‌شدند؛

۶- کارکنان صندوق‌های اعتبار کشاورزی کمک‌های متقابل؛

۷- کارکنان تعاونی‌های کشاورزی؛

۸- کارکنان صندوق‌های کمک‌های خانوادگی؛

۹- سهم برانی که معمولاً تنها یا با کمک اعضای خانواده خود کار می‌کنند؛

۱۰- اعضای خانواده بهره‌برداران کشاورزی (وایستگان درجه اول سببی و نسبی که با خانواده بهره‌زندگی می‌کنند و برای او کار می‌کنند).

بر اساس این قانون، همان‌گونه که ذکر شد، نیمی از حق بیمه کارگران کشاورز توسط کارگران و نیمی دیگر از جانب کارفرما، در سه گروه کودکان و زنان و مردان، به صورت زیر پرداخت می‌شد:

۱۲ فرانک در ماه برای کودکان، ۱۶ فرانک در ماه برای زنان و ۲۰ فرانک در ماه برای مردان. کارفرما، که پرداخت حق بیمه بر عهده اوست، می‌بایستی آن را در شرایط عادی در ۱۰ روز اول هر سه ماه پرداخت کند. کارفرمایان می‌توانند پرداخت خود را یا به صورت چک پستی یا به صورت نقدی از طریق صندوق‌های کمک متقابل (Mutuels) انجام دهند.

انواع کمک‌های دریافتی

در قانون سال ۱۹۳۵، انواع کمک‌های دریافتی از جانب بیمه شدگان به قرار زیر بوده است:

۱- در ارتباط با بیمه بیماری، دریافت هزینه‌های پرداخت شده پزشکی، دازو و درمان بیمارستانی از سوی شخص بیمه شده و همسر و فرزندان؛

- ۲- غرامتهای روزانه در موقع توقف کار به دلیل بیماری کارگر؛
 - ۳- بیمه بارداری - که علاوه بر کمک‌های پزشکی و دارویی و بیمارستانی، کمک‌های نقدی غرامت روزانه (۶ هفته قبل و ۶ هفته بعد از زایمان) جیره مواد غذایی و بون شیر و... می‌گردید؛
 - ۴- بیمه ازکارافتادگی (با داشتن شروطی از قبیل عضویت حداقل ۲ سال در بیمه اجباری، پرداخت حداقل ۲ سال حق بیمه پیری و از دست دادن حداقل $\frac{2}{3}$ توانایی کار)؛
 - ۵- علاوه بر موارد فوق در قانون سال ۱۹۳۵، تسویه حساب پیش از مورد، بازخرید بیمه، پرداخت مستمری به بازماندگان پس از مرگ و عضویت در بیمه اختیاری نیز پیشی‌بینی شده بود.
- در مجموع می‌توان درصد رشد تدریجی عضویت روستاییان را بین سال‌های ۱۹۳۱ الی ۱۹۳۶ در ارتباط با بیمه‌های اجباری ۶۳ درصد و در ارتباط با بیمه‌های اختیاری (که شرط عضویت در آن اشتغال در یک فعالیت کشاورزی با عنوان غیر فردی است)، نزدیک به ۱۳۰ درصد بر آورد نمود.
- ۶- و بالاخره ماده قانونی ۳۱ مه و ۱۴ ژوئن ۱۹۳۸ استفاده از مزایای کمک‌های خانوادگی را به بهره‌برداران کشاورزی و پیشه‌وران روستائی تعمیم داد و در ۱۴ ژوئن ۱۹۳۹ قانون خانواده (Code de la famille) به تصویب رسید. (قانون خانواده، صص ۱۴۰-۱۳۰)
- تعمیم و گسترش بیمه‌های اجتماعی کشاورزی**
- آزادی فرانسه بعد از جنگ، دوره‌ای از توسعه سیاسی و اجتماعی را به دنبال داشت و دولت امیدوار بود که بتواند یک برنامه وسیع تأمین اجتماعی را جایگزین بیمه‌های اجتماعی کند. در راستای این هدف، تحولات ساختاری بیمه‌های کشاورزی در جهت منافع کشاورزان را به قرار زیر می‌توان خلاصه نمود:

قانون ۱۹ آوریل ۱۹۴۵ سقف مستمری کارگران کشاورز را که در سال ۱۹۳۰ ثابت شده بود، حذف نمود؛ ..

- گسترش بیمه‌های اجتماعی به بهره برداران کشاورزی، تأکید بر بهره برداران کشاورزی، بعد از جنگ، بیشتر به دلیل تبدیل اقتصاد معیشتی به یک اقتصاد بازار و اهمیت یافتن نقش کشاورزی در اقتصاد ملی و همزمان توجه کشاورزان به مدرنیزه کردن بهره‌برداری‌های خود بود. در راستای این هدف، اقدامات تدریجی زیر را می‌توان برشمرد:

۱- قانون ۱۰ ژوئیه ۱۹۵۲، برنامه یک کمک پیری در کشاورزی را بنیان نهاد که با تکامل آن در ژانویه ۱۹۵۵، تبدیل به یک رژیم واقعی بازنشستگی گردید (بولتن موتوالته کشاورزی ژانویه ۱۹۵۵، ص ۲۷۸)؛

۲- قانون ۲۵ ژانویه ۱۹۶۱، بیمه بیماری بهره‌برداران کشاورزی (Mexa) را ایجاد نمود؛

۳- و بالاخره قانون ۲۲ دسامبر ۱۹۶۶، منجر به ایجاد گارانتی‌های کاملی برای بهره‌بر. شد. و بدین ترتیب نقش بیمه اختیاری تدریجاً در درون نظام بیمه‌های اجتماعی کاهش یافت.

بر اساس قانون سال ۱۹۵۲، به کشاورزان منتقلی که در سن ۶۵ سالگی بودند یا ۶۰ ساله بوده اما قادر به کار کردن نبودند، سالانه ۲۸۲۰۰ فرانک پرداخت می‌شد و کسانی که می‌توانستند از آن استفاده کنند، عبارت بودند از: سرپرست بهره‌برداری، همسر او و اعضاء بالغ غیر مزدبگیر خانواده (مثل فرزندان، والدین، برادران، خواهران و...) که در درون بهره‌برداری زندگی می‌کنند.

شرایط استفاده از این کمک‌ها بر اساس همان قانون به قرار زیر بوده است:

۱- آخرین فعالیت شغلی او به مدت ۱۵ سال سرپرستی بهره‌برداری کشاورزی باشد؛

۲- کسانی که مالیات ممیزی ارضی بهره‌برداران آنان کمتر از ۱۰۰ فرانک در سال

باشد، سرپرست بهره‌برداری محسوب نمی‌شوند؛
۳- مجموع درآمد متقاضی نایستی از ۱۸۸۰ فرانک برای یک بهره‌بردار
مجرد و ۲۳۲۰۰۰ فرانک برای یک زن و شوهر متجاوز باشد.

به سوی یک بازنشستگی واقعی

سازمان‌های شغلی و سندیکاهای و جراید، ضمن پذیرفتن اصول قانون ۱۰ ژوئیه ۱۹۵۲
بیمه‌های کشاورزی، انتقاداتی به شرح زیر بر آن وارد نمودند:

۱- نظام بیمه‌ای مذکور، دارای ویژگی‌های یک سیستم کمکی (Assistance) است؛

۲- نه فقط تمام حق بیمه دهندگان از مزایای بیمه پیری استفاده نمی‌کنند بلکه حق

بیمه‌هندگان با اهمیت تر به حساب نیامده‌اند؛

۳- مبلغ دریافتی از جانب سالمندان متناسب با مقدار پولی نیست که به صندوق

واریز می‌شود؛

۴- پرداخت حق بیمه یکسال موجب شده است که بهره‌برداران بزرگ مشارکت

ضعیفی داشته باشند در حالی که بهره‌برداران کوچک به نسبت هزینه بالایی را بپردازند؛

۵- وجود تمرکز شدید اداری و مدیریت متمرکز مانع از اجرای قانون است.

در سال ۱۹۵۵، پس از رفع مشکلات و نقایص فوق پروژۀ جدیدی به مرحله اجرا

در آمد که بر اساس آن، بازنشستگی به تمام بهره‌برداران ۶۵ یا ۶۰ ساله‌ای که قدرت

کار کردن نداشته باشند تعلق می‌گیرد که مدت پنج سال حق بازنشستگی پرداخت کرده

باشند (بدون در نظر گرفتن در آمد و مالیات اراضی).

در طول سال‌های ۱۹۶۰، دو تحول مهم در ارتباط با بیمه‌های اجتماعی بخش

کشاورزی قابل ذکر است:

یکم، ایجاد یک بودجه اضافی، کمک‌های اجتماعی کشاورزی (Bapsa) که

هزینه‌های بیمه‌های پیری بهره‌برداران را نیز شامل می‌گردد. (آلن بارژو، جلد پنجم، ص ۷۲)

دوم، تصویب قانون وضعیت کشاورزی که اصول آن بر اساس تساوی بین کشاورزان و سایر گروه‌های شغلی (صنعت و بخش خدمات) استوار است، که در اینجا به دلیل بطول بودن مقررات آن، از آن در مئی گذریم:

غرامت مادام العمر (I.V.D) و باز خرید خدمت

در سال ۱۹۶۲ بر اساس برآوردی معلوم شد که ۳۰۰/۰۰/۰۰ نفر از بهره‌برداران مسین که تمام فعالیت‌های شغلی خود را کنار گذاشته‌اند، از بیمه بازنشستگی استفاده نکرده‌اند و به همین جهت در ۲۲ دسامبر سال حق باز خرید حق بیمه‌های پرداختی به تصویب رسید. استفاده کنندگان از این حق بایستی حداقل ۶۵ سال سن داشته باشند و ثابت کنند که حداقل در طول ۵ سال یک فعالیت اصلی غیر مزدی در بخش کشاورزی داشته‌اند. در حقیقت، اجرای این قانون به تمام بهره‌براران کشاورزی امکان استفاده از حداقل لازم را می‌دهد.

علاوه بر این، سال‌های ۱۹۶۰ مصادف بود با یک سیاست اصلاح ساختاری زمین‌داری که هدف از آن افزایش سطح زیر کشت کشاورزان در جهت حمایت از ارزش‌های بهره‌بردارانی خانوادگی بود. در راستای حصول به این هدف، سازمانی به نام "سازمان فعالیت‌های اجتماعی به منظور اصلاح ساختار کشاورزی" تأسیس گردید که وظیفه آن اصلاح ساختار بهره‌برداری‌ها و افزایش بازدهی محصولات کشاورزی بود. از جمله تدابیر مختلفی که برای رسیدن به این اهداف اندیشیده شد، اختصاص مبلغ اضافی به بازنشستگی کشاورزان سالمندی بود که واحده بهره‌برداری خود را ترک کنند و در نهایت موجبات تسهیل اصلاحات (آمایش) ارضی را فراهم آوردند. این مبلغ اضافی (indemnité viagère) تحت عنوان "غرامت مادام‌العمر (dedepant)" خوانده می‌شود. در چارچوب ماده قانونی ۶۰ مه ۱۹۶۳ به مرحله اجرا گذاشته شد، در حقیقت امتیازی است که به کشاورزانی تعلق می‌گیرد که حاضر باشند

زمینی را که از آن تحت عنوان مالک، مستأجر، مزرعه‌دار یا سهام‌برکسب در آمدی می‌نمودند، به دیگری واگذار کنند. این امتیاز شامل دو بخش است:

الف - مبلغی ثابت (در سال ۱۹۶۳ برابر با ۷۵۰ فرانک) در سال که در تعیین میزان درآمدی که حق استفاده اضافی و یا کمک‌های خانوادگی اضافی را به وجود می‌آورد، مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد؛

ب - مبلغی متغیر مبتنی بر مالیات ارضی واحد بهره‌برداري واگذار شده بدون آن که این مبلغ کمتر از ۱۵۰ فرانک و بیشتر از ۷۵۰ فرانک در سال باشد. (سال ۱۹۶۳).

گرامت (I.V.D) به تمام بهره‌برداران دارای ۳ هکتار که قبول کنند زمین خود را به نفع دیگری ترک کنند پرداخت می‌شود. این پروژه از سال ۱۹۶۲ آغاز شد ولی تا سال ۱۹۶۴ عملاً مسکوت ماند. موانعی که موجب متوقف ماندن این طرح گردید به شرح زیر است:

اول آنکه استفاده‌کنندگان I.V.D با بستی زمین را بفروشند؛ در حالی که دهقانان نمی‌خواستند زمین خود را بفروشند؛ به همین دلیل در طول ۲ سال تنها ۲۰/۰۰۰ نفر حاضر به پذیرفتن این شرط گردیدند. برای رفع این تنگنا، تمام بهره‌بردارانی که قصد ترک زمین خود را داشتند، مجتار شدند که آن را بفروشند یا اجاره دهند و بدین ترتیب راه خل اجاره زمین، مشکل بهره‌برانی را که به دلیل پرستی اجتماعی تمایلی به فروش زمین خود نداشتند حل کرد. در طول ۵ سال، ۶۲۰/۰۰۰ کشاورز زمین خود را واگذار نمودند و در مجموع ۱۱ میلیون هکتار (معادل $\frac{1}{3}$ مساحت زمین‌های کشاورزی فرانسه) آزاد شد؛ در حالی که قانونگذاران تنها ۲۵۰/۰۰۰ مورد ترک زمین را پیش‌بینی کرده بودند. لازم به ذکر است که یکی دیگر از علل افزایش تقاضا در ارتباط با واگذاری زمین، کاهش مدت اجاره از ۱۸ سال به ۹ سال بود. نکته قابل توجه دیگر آن که همپای افزایش تعداد استفاده‌کنندگان از این مزایا، از تعداد کسانی که حق بیمه می‌پردازند کاسته می‌شود؛ به طوری که در فاصله بین ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۶ کاهش تعداد حق بیمه

دهندگان به ۴۵۸۰۰۰ نفر بالغ گردید در حالی که تعداد استفاده کنندگان از پروژه I.V.D. از ۹۲۵۰۰۰ نفر به ۱۰۰۰۰ / ۱ / ۳۵ نفر افزایش یافت. (میشل دباتیس، ۱۹۸۳، صص: ۸۳-۸۲):

تحولات جدید در قوانین بازنشستگی کشاورزان

همچنانکه اشاره نمودیم، یکی از ویژگی‌های قوانین مربوط به بیمه‌های اجتماعی روستائی، تکامل سریع آنها به تناسب زمان و تحولات اجتماعی-اقتصادی جامعه است. در این باره می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ایجاد شرایط مناسب برای بازنشستگی کشاورزان، موجب شد که تعداد بهره‌برداران بازنشسته در طول ۱۰ سال (۷۵-۱۹۶۵) از ۱۰۰۰ / ۱ / ۳۲۰ به ۱۰۰۰ / ۱ / ۸۲۶ نفر برسد؛

- از ژانویه ۱۹۷۳، رژیم پیزی بهره‌برداران کشاورزی که قادر به کار کردن نبودند، با مقررات مربوط به کارگران یکسان شد، به شرط آن که بهره‌برداران کشاورزی از نیروی کار مزدبگیر استفاده نکنند و درجه ناتوانی حداقل (۵۰ درصد) در مورد آنان تأیید شود؛

- از اول ژانویه ۱۹۷۶، سرپرستان و همسران بهره‌برداران کشاورزی که در پنج سال گذشته، تنها با استفاده از نیروی کار خانوادگی و یا با کمک نیروی کار مزدبگیر دائمی به کار اشتغال داشته‌اند، می‌توانند یک بازنشستگی پیش از موعد با همان شرایط استفاده کنند که کارگران استفاده می‌کنند. (در صورت داشتن ۰.۶۶ درصد درجه ناتوانی)؛

۳. قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۳، به اعضای خانواده بهره‌برداران در صورت داشتن ۱۵ سال فعالیت شغلی و ۵ سال پرداخت حق بیمه، امتیاز استفاده از بازنشستگی را اعطاء نمود.

و بدین ترتیب، از آن پس، تمام غیر مزدبگیران بخش کشاورزی می‌توانستند از یک امتیاز جمعی ماهانه استفاده کنند. جدول ۱- میزان و تفاوت ناچیز بازنشستگی بین سه گروه بهره‌براران، مزدبگیران و بازرگانان را در سال ۱۹۷۸ نشان می‌دهد.

قابل ذکر است که کمبود مبلغ بازنشستگی پیری تا حدی به وسیله کمک هزینه دیگری تحت عنوان صندوق ملی همبستگی (Fonds national de Solidarite) جبران می‌شود. تمام فرانسویان بازنشسته که در آمدشان کمتر از سقف معینی است، می‌توانند از این کمک استفاده کنند. در سال‌های اخیر حدود ۷۷۰/۰۰۰ کشاورز قدیمی (اعم از زن یا مرد) از ۱/۸۰۰/۰۰۰ بازنشسته چنین کمکی را طلب کرده‌اند. (آلن بارژو، جلد چهارم، ص ۱۷۴)

جدول ۱- تعمیم بازنشستگی طبقات مختلف در سال ۱۹۷۸

بازرگانان	مزدبگیران	بهره‌برداران کشاورزی	طبقات استفاده‌کننده میزان حداقل و حداکثر
۸۵۰۰	۷۱۱۴	۸۵۵۳	مبلغ حداقل
۱۲۴۶۵	۱۶۳۲۰	۱۲۴۶۵	مبلغ حداکثر

منبع: آلن بارژو، ص ۱۷۵.

نسبت فعالین به بازنشسته‌ها در بین بهره‌برداران کشاورزی از سال ۱۹۶۰ ساختار دموگرافیک در بخش کشاورزی با آهنگ سریعی دگرگون گردیده است، چنانکه نسبت بین فعالیت به بازنشسته‌ها - که برای بهره‌برداران در سال نزدیک به ۳ بوده است - به تدریج در سال ۱۹۶۵ به ۲/۳۶ و در سال ۱۹۷۵ به ۱/۲۱ و در سال ۱۹۸۰ به ۱ رسیده است. این نتایج معکوس را می‌توان با پیری جمعیت توجیه نمود در حالی که در همین مقطع زمانی، این نسبت برای رژیم عمومی بیمه‌های اجتماعی سه نفر فعال در مقابل یک نفر بازنشسته ثابت مانده است. این عدم تعادل رژیم بیمه‌های اجتماعی کشاورزی را می‌توان با عوامل زیر توجیه نمود:

- ۱- کاهش تعداد حق بیمه‌پردازان یا آهنگ ۴٪ که دلیل آن کاهش روزافزون تعداد فرزندان کشاورزانی است که تمایلی به ادامه کار کشاورزی نداشته و جذب بخش صنعت

- و خدمات می‌گردند؛
- ۲- افزایش تعداد بازنشستگان که در حال حاضر مجموع کارگران و بهره‌برداران کشاورز حدود ۳۱ درصد بازنشستگان کشوری را تشکیل می‌دهند؛
 - ۳- غزیمت از بخش کشاورزی به سمت سایر بخش‌های فعالیت.

بیمهٔ بیماری، زایمان، از کار افتادگی بهره‌برداران کشاورزی (Amexa) سابقهٔ این نوع بیمه هم به سال ۱۹۰۰ باز می‌گردد. از آن زمان، به تدریج در سال ۱۹۳۵ و سپس در سال ۱۹۵۲، تکامل یافت و در نهایت در سال ۱۹۶۰ پروژهٔ قانونی دولت تحت عنوان فوق، به پارلمان ارائه شد و در ۱۳ دسامبر همان سال پس از اصلاحاتی به تصویب رسید.

- خطوط اصلی این قانون به قرار زیر است:
- ۱- پوشش اجباری قانون شامل بهره‌برداران و نیروهای کار خانوادگی غیر مزد بگیر، همسر و فرزندان کمتر از ۱۶ سال (و در مورد فرزندان تحت آموزش کمتر از ۱۷ سال)؛
 - ۲- بهره‌برداران قدیمی و همسران آنها که از بازنشستگی پیری استفاده می‌کنند؛
 - ۳- اعضاء خانوادگی که از کمک هزینهٔ پیری استفاده می‌کنند و حداقل ۵ سال حق بیمهٔ پیری پرداخت کرده‌اند.

- این قانون کشاورزان را در مقابل موارد زیر تضمین می‌کند:
- ۱- کمک‌های مادری یا زایمان؛
 - ۲- بیماری‌ها و حوادث کودکان؛
 - ۳- بیماری‌هایی که مستلزم عمل جراحی یا بستری شدن در بیمارستان باشد؛
 - ۴- بیماری‌های خطرناک (حصبه، سرطان، بیماری‌های روانی) و بیماری‌هایی که موجب توقف کار بیشتر از سه ماه گردد. در چنین مواردی، بهمان صورت هزینه‌های بیماری به بیمه شدگان برگردانده خواهد شد که در مورد کارگران کشاورز عمل می‌شود.

۵. از کار افتادگی؛-

۶. امکان استفاده از بیمه‌های تکمیلی که به وسیله سازمان‌های بیمه پیش‌بینی شده است.

تحولات نظام بازنشستگی کشاورزی در دو دهه اخیر

نظام بازنشستگی کشاورزی در دو دهه اخیر، در چند نوبت دچار تحول گردیده است و علت آن هم، سعی در هماهنگ شدن با بیمه پیری نظام عمومی بازنشستگی است که کارکنان بخش صنعت و تجارت و پیشه‌وران را تحت پوشش قرار می‌دهد:

- از سال ۱۹۹۰ سن حق استفاده از بازنشستگی به ۶۰ سال کاهش یافت؛

- در همان سال برای محاسبه حق بیمه، در آمد شغلی مبتنی بر قرار گرفت و نه مالیات.

ارضی (Cadastral Revenu)؛

- قانون نوسازی کشاورزی (۱ فوریه ۱۹۹۵) تا حدودی حقوق بهره‌برداران

کشاورزی را با حقوق کارگران انطباق داد.

- و بالاخره قانون مالی سال ۱۹۹۷ باز هم میزان بازنشستگی را افزایش داد. (طبق

قانون ۲۴ فوریه ۱۹۹۷، حداقل مبلغ بازنشستگی شغلی سرپرست بهره‌برداری یا مؤسسه

کشاورزی را ۳۲۰۰۰ فرانک در سال تعیین نمود).

منابع تأمین هزینه‌های نظام کشاورزی

نظام کشاورزی از ساختار جمعیت نامطلوبی در ارتباط با پوشش بیمه‌های اجتماعی برخوردار است؛ زیرا تعداد بازنشستگان از تعداد افراد فعال بیشتر است و بنابراین، از بابت حق بیمه در صدد ناچیزی دارد. با وجود این دو مشکل (قلت فعالین و کمی منابع مالی ناشی از حق بیمه)، بخش کشاورزی از چتر حمایتی مشابه مشاغل دیگر برخوردار است زیرا این بخش از کمک‌های بخش‌های دیگر که دارای ساخت جمعیتی مناسبی هستند و نیز از مشارکت دولت برای برقراری تعادل بین در آمد و هزینه سود می‌جوید.

به همین دلیل برخلاف سایر بخش‌ها، هزینه‌ها و درآمدهای بخش کشاورزی هر ساله به همان طریقی که بودجه دولت تصویب می‌شود، به وسیله پارلمان مورد بررسی و تصویب قرار می‌گیرد.

انواع منابع مالی بخش کشاورزی

هزینه‌های نظام کشاورزان غیر مزدبگیر، که بالغ بر ۸/۸۵ میلیارد فرانک می‌شود از طریق منابع در آمدی به شرح زیر تأمین می‌شود:

- حق بیمه‌های اجتماعی؛
- مالیات‌هایی که بر روی محصولات کشاورزی بسته می‌شود؛
- بودجه جبرانی جمعیت (کمک مربوط به تعادل بین نسل‌ها و مشاغل)؛
- کمک دولت (رایانه).

۱- حق بیمه‌های اجتماعی:

تنها ۱۷٪ کل هزینه‌های نظام کشاورزی را شامل می‌شود و در سال ۱۹۹۴ بالغ بر ۱۴/۶ میلیارد فرانک بوده است. همچنانکه قبلاً نیز گفته شد نظام کشاورزی با توجه به مشکلاتی که دارد مجبور است از کمک‌های خارج از بخش استفاده کند.

۲- مالیات بر روی برخی محصولات کشاورزی:

این مالیات‌ها بر روی محصولات چون اغلات، دانه‌های روغنی و چغندر قند بسته می‌شود.

۳- بودجه جبرانی جمعیت (La Compensation démographique):

به منظور خنثی نمودن اثرات نامناسب جمعیتی بر روی نظام حمایت اجتماعی کشاورزی سیستمی تحت عنوان سیستم جبرانی (Compensation) برقرار شده است.

بدین ترتیب که نظام‌هایی چون نظام کشاورزی - که میزان حق بیمه آن‌ها کاهش می‌یابد در عین حالی که هزینه‌های بازنشستگی آن‌ها کم‌کم ادامه دارد، از یک مساعدت مالی از جانب نظام‌هایی که شرایط جمعیتی و ساختاری مناسب‌تری دارند، برخوردار می‌شوند. از طریق این مکانیزم نزدیک به $\frac{1}{3}$ هزینه‌های کل نظام کشاورزی تأمین می‌گردد.

۴- کمک دولت:

این کمک از جانب پارلمان تصویب شده است و هدف آن رساندن سطح درآمدهای نظام کشاورزی به هزینه‌های آن است زیرا منابع دیگر، یعنی حق بیمه و درآمد ناشی از چبران جمعیت، با توجه به نوسانات آن‌ها و افزایش میزان حمایت‌های اجتماعی، قادر به ایجاد تعادل کامل نمی‌باشند. کمک دولت بیش از ۲۰ درصد هزینه‌های رژیم کشاورزی را تشکیل می‌دهد.

۵- سایر درآمدهای نظام کشاورزی:

علاوه بر منابعی که ذکر شد، بودجه حمایت‌های بخش کشاورزی را مجموعه‌ای از مالیات‌ها و حقوقی که از جاهای مختلف اخذ می‌شود تکمیل می‌کند؛ مثل مالیات بر روی دخانیات، محصولات جنگلی، مالیات بر روی تولیدات الکلی، بخشی از مالیات اتومبیل و بخشی از T.V.A. (Tax de la Valeur Ajoutee)، (مالیات بر ارزش افزوده). نظام کشاورزی از طریق صندوق ملی همبستگی (Fond National de Solidarite) که به منظور کمک اضافی به بازنشستگان کم‌بضاعت ایجاد شده و نیز از طریق صندوق ملی، کمک‌های خانوادگی در مجموع نزدیک به ۸ درصد از درآمد خود را تأمین می‌نماید.

جدول ۸ - هزینه‌ها و درآمدهای بیمه اجتماعی غیر مزدبگیران بخش کشاورزی در فرانسه

هزینه‌ها	به میلیارد فرانک	درآمدها	به میلیارد فرانک
بیمه بیماری	۲۲۰۰۰	حق بیمه‌ها	۱۴/۶۵۴
کمک‌های خانوادگی	۴۶۰۰	مالیات بر روی محصولات کشاورزی	۰/۵۹۶
بیمه‌های پیری	۴۶/۶۶۰	مالیات سایر کالاها	۱۴۷۷۲
بیمه بیوگی (Veuvage)	۰/۰۲۰	جبران جمعیتی	۲۹۲۸۰
کمک به کشاورزان دارای مشکل	۰/۱۱۷۰	کمک دولت	۱۸۶۷۴
سایر	۱۳۴۰	ضندوق ملی همبستگی	۵/۰۱۳
		سایر	۲/۸۰۱
جمع	۸۵/۷۹۰	جمع	۸۵/۷۹۰

منبع: Protection Sociale des Agriculteurs Et des Leurs Familles, P.55

حق بیمه در نظام کشاورزی

در نظام بیمه‌های اجتماعی فرانسه دو نوع حق بیمه (Cotisation) پرداخت می‌شود:

الف - حق بیمه‌ای تحت عنوان حق بیمه تکنیکی (فنی) که در جهت پرداخت کمک‌ها هزینه می‌شود؛

ب - حق بیمه تکمیلی (Cōmplementaire) که صرفت هزینه‌های امتوز صندوق‌ها، امور بهداشتی، اجتماعی و کنترل پزشکی می‌شود.

از سال ۱۹۴۵ که تأمین اجتماعی به تمام فرانسویان تعمیم یافت، در مورد کشاورزان هم تلاش شد که مبنائی به منظور محاسبه حق بیمه تعیین شود. در آن تاریخ معیاری که بیش از همه مورد توجه قرار گرفت درآمد ارضی زمین بود؛ یعنی ارزش اجاره‌ای زمین و یا به عبارت دیگر مبلغ سالانه‌ای که کشاورز اجاره‌دار به صاحب زمین می‌پردازد. ولی با توجه به نارسائی معیار مذکور، تغییراتی در محاسبه قبلی ایجاد شد و فاکتور جدیدی را به صورت ضریب تحولات درآمد کشاورزی (بر اساس ماده ۱۱۰۶-۶ قانون روستا) در آن دخالت دادند بر اساس این محاسبه جدید، برای هر

شهرستان و هر سال وزن درآمد کشاورزی مورد مقایسه قرار می‌گرفت. اگر سهم نسبی در آمد ارضی شهرستانی (در مقایسه با سایر شهرستانها) وزن کمتری از سهم نسبی در آمد کشاورزی داشته باشد، در آمد ارضی به وسیله ضریبی افزایش می‌یابد (و بالعکس). این ضریب که تحت عنوان ضریب تطابق^۳ (Coefficient D'adaptation) نامیده می‌شود، به صورت بارزی در آمد ارضی را تغییر داده و از طرف دیگر عدم تساوی موجود بین درآمد ارضی شهرستان‌های مختلف را نیز تصحیح می‌کند و موجب می‌شود که هزینه حق بیمه بین شهرستان‌ها عادلانه توزیع شود.

بدیهی است که به دلیل بهبود تدریجی حیمايتهاي اجتماعي و پيري مداوم جمعيت کشاورزی، هر ساله هزینه‌های این نظام افزایش قابل ملاحظه‌ای می‌یافت و در مقابل با کاهش تعداد افراد حق بیمه دهنده و تحولات نامناسب قیمت محصولات کشاورزی روبرو بود و به همین دلیل، یکی از اهداف رفرم در میزان حق بیمه معطوف به این امر بوده که از پتانسیل سایر اقشار کمک بگیرد.

مشکلات فوق موجب شد که اصلاحات به سمتی متمایل گردد که تدریجاً از سال ۱۹۹۰ به جای قیمت اجاره زمین درآمدهای شغلی مبنای حق بیمه قرار گیرد.

محاسبه حق بیمه بر مبنای درآمدهای شغلی

در این نوع محاسبه، مبنای حق بیمه اجتماعی مبتنی بر درآمدهایی است که ناشی از فعالیت‌های کشاورزی و یا مشابه باشد. اعم از این که این درآمدها از سود حاصل از کشاورزی و صنعتی یا تجاری و غیر تجاری باشند:

الف - منافع حاصل از کشاورزی:

بر اساس تعریف مالیاتی، منافع حاصل از کشاورزی درآمدهایی هستند که از بهره‌برداری‌های روستایی برای مالکین آنها و یا اجاره داران و مزارعه‌گران حاصل می‌شود. این منافع نه تنها از کشاورزی و دامداری بلکه از تولیدات جنگلی، فروش

چوب، یکشنبه قارچ: در گلخانه، تربیت طیور پرندگان از هر نوعی، پرورش ماهی و... حاصل می‌شود.

ب- منابع حاصل از فعالیت‌های تجاری: مثل منافع توریستی. مزرعه‌داران، از قبیل مهمان‌پذیرهای روستائی، در مزارع (Ferme-au berge)، یک خانه روستائی، فضای طبیعی کامپینگ، فضا، یا محل بازی کودکان و... پ- منافع حاصل از فعالیت‌های غیر تجاری:

در این مورد، می‌توان از درآمدهای ناشی از تربیت اسبان مسابقه اسب‌دوانی و نیز نگهداری حیوانات نام برد.

حداقل حق بیمه: همانند سایر گروه‌های اجتماعی، برای کشاورزان هم حداقل حق بیمه تعیین شده است. این حداقل حق بیمه که افراد برای برخورداری از کمک‌ها باید بپردازند تا بتوانند زیر چتر حمایتی دائم بیمه‌های اجتماعی قرار گیرند عبارت است از:

۱- برای بیمه بیماری: مبنای لازم برابر است با ۸۰۰ برابر حداقل حقوق روزانه (Smic) در سال.

این معیار برای کشاورزان چند پیشه که فعالیت اصلی آن‌ها کشاورزی نیست - به کار برده نمی‌شود. به عنوان مثال، اگر حداقل حقوق روزانه ۶۰ فرانک در روز باشد، حاصل ضرب ۸۰۰ در ۶۰ یعنی ۴۸۰۰۰ فرانک در سال مبنای پرداخت حق بیمه قرار می‌گیرد.

۲- برای بیمه پیری مبنای پرداخت حداقل بیمه ۴۰۰ برابر حداقل حقوق روزانه تعیین شده است. این معیار برخلاف بیمه بیماری برای کشاورزان چند پیشه هم به کار می‌رود.

۳- برای کمک‌های خانوادگی پایه حداقلی در نظر گرفته نشده است و مبنای همان درآمدهای شغلی است.

۲. اعلام (اظهار) میزان درآمد

هر سال تمام غیر مزدبگیران کشاورزی بایستی میزان در آمد شغلی خود را به صندوق مو توالتیه (تعاونی) اجتماعی کشاورزی، پیش از تاریخ معین شده به وسیله شورای اداری اعلام کنند. حداقل ۳۰ روز قبل از فرستادن اظهارنامه، صندوق‌ها برای تمام سرپرستان واحدهای بهره‌برداري اظهار نامه‌ای چاپی ارسال می‌دارند که این اظهارنامه بایستی تکمیل شده و برگردانده شود (البته جزائمی نیز در مواردی که اظهارنامه‌ها فرستاده نشوند و یا دیر برگردانده شوند، در نظر گرفته شده است).

پرداخت حق بیمه بیماری:

پرداخت حق بیمه بیماری بر عهده سرپرست بهره‌برداري است و دو گروه از پرداخت این حق بیمه معافند:

الف - همسر بهره‌بردار کشاورز یا فردی که از لحاظ اقتصادی تحت قیومیت وی قرار داشته و فعالیت شغلی مستقلی نداشته باشد. البته این مورد با بیمه پیزی متفاوت است که طی آن همسر بهره‌بردار همانند یک کشاورز فعال حق بیمه پرداخت می‌کند و در مقابل از یک حق بازنشستگی شخصی استفاده می‌کند.

ب - کودکان کمتر از ۱۶ سال که تحت قیومیت سرپرست بهره‌برداري قرار دارند و در صورتی که این کودکان به تحصیل ادامه دهند تا سن ۲۰ سالگی نیز از پرداخت حق بیمه معافند. این معافیت از ابتدای بیستمین سالگرد پایان می‌یابد و از آن پس تحت حمایت بیمه دانشجویی قرار می‌گیرند.

۳. حق بیمه بازنشستگان:

بازنشستگان بهره‌بردار بخش کشاورزی جز در دو مورد (که معاف هستند)، بایستی حق بیمه‌ای به صندوق بیمه بپردازند و این حق بیمه در حال حاضر تنها حدود ۳ درصد مبلغ بازنشستگی آن‌هاست. دو مورد معافیت عبارتند از:

- ۱- همسر بهره‌برداران کشاورزی که از بازنشستگی از نوع قبراردادی (Retraite Forfaitaire) استفاده می‌کنند به شرطی که همسر آن‌ها (زن یا شوهر) از حقوق بیمه بهره‌برداران کشاورزی (Amexa) برخوردار باشند.
- ۲- مورد دوم فعالیت مزبوط به بازنشستگی است که از "کمک هزینه فوق العاده صندوق منلی همبستگی" (Allocation Supplémentaire du fonds National de Solidarité) استفاده می‌کنند به شرطی که زمین زیر کشت آن‌ها از ۳ هکتار کمتر نباشد. ذکر این نکته لازم است که معافیت مزدبگیران قدیمی از پرداخت هر نوع حق بیمه بیماری تازمانی که مالیات با آن‌ها تعلق نگیرد معافند.

حق بیمه از کار افتادگان

سرپرستان بهره‌بردارانی که از یک مستمری از کارافتادگی استفاده می‌کنند از هر نوع حق بیمه بیماری معاف هستند (معافیت از زمانی است که کار را به طور کامل ترک کنند و یا میزان کار خود را کاهش دهند و در هر صورت به عنوان غیر فعال در نظر گرفته شوند).

دو نوع محاسبه حق بیمه برای بهره‌برداران کشاورزی

همچنان که قبلاً یاد آور شدیم، محاسبه میزان حق بیمه برای بهره‌برداران ارضی یکی از مسائل بسیار با اهمیتی بوده است که پیوسته ذهن کبارشناسان و برنامه‌ریزان امور کشاورزی و بیمه‌ای را به خود مشغول می‌داشته است. محاسبه حق بیمه در فرانسه برای بهره‌برداران کشاورز ابتدا بر حسب ارزش اجاره‌ای زمین (Revenu Cadastral) انجام می‌شد و از سال ۱۹۹۰ به تدریج محاسبه حق بیمه بر اساس میزان درآمدهای ناشی از فعالیت‌های شغلی (کشاورزی و غیره) جای آن را گرفت. ذیلاً به ذکر محاسبه هر دو نوع می‌پردازیم:

الف - محاسبه حق بیمه بر اساس ارزش اجاره‌ای زمین:

جدول زیر آخرین میزان مربوط به سال ۱۹۹۴ را نشان می‌دهد.

جدول ۲ - میزان حق بیمه پرداختی بهره‌برداران کشاورزی بر اساس ارزش زمین (۱۹۹۴).

طبقات ارزش زمین	حق بیمه فنی	درصد افزایش	حق بیمه تکمیلی
۲۶۴۱۵۶ فرانک و بیشتر	۲۵۶۵۶	۰/۵۲	۸۲۲
از ۲۶۴۱۵۶ تا ۳۳۰۲۰	۱۳۶۸۳	۵/۱۸	۸۲۲
از ۳۳۰۲۰ تا ۱۶۵۱۰	۷۹۵۳	۳۴/۷۰۶	۸۲۲
از ۱۶۵۱۰ تا ۹۳۵۳	۵۴۷۲	۳۶/۶۶۵	۸۲۲
از ۹۳۵۳ تا ۲۳۱۳	۱۱۲۲	۶۱/۷۹	۸۲۲
کمتر از ۲۳۱۳	۱۱۲۲	۶۱/۷۹	۸۲۲
کمتر از ۲۱۵۷	۶۶۲۲	۶۱/۷۹	۶۲۲

منبع: ژنه لازری، ۱۹۹۵، ص ۱۰۲.

توضیح: محاسبه حق بیمه بر اساس ارزش زمین، دارای ۳ عنصر است. عنصر ثابت، در واقع همان حداقل بیمه فنی است که در ستون دوم جدول مشاهده می‌شود. به عنوان مثال: در مورد یک درآمد ارضی (ارزش اجاره‌ای زمین) برابر با ۱۲۵۰۰ فرانک، عنصر ثابت بالغ بر ۵۴۷۲ فرانک می‌شود. به این عنصر ثابت، بایستی یک عنصر نسبی که نشان دهنده گذشتن از پائین‌ترین آستانه است اضافه شود که به صورت (درصد) در ستون سوم نشان داده شده است. بنابراین میزان حق بیمه به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$۱۲۵۰۰ - ۹۳۵۳ = ۳۱۴۷ \times ۳۶/۶۶۵ = ۳۶۷۲ \times ۳۶/۶۶۵ = ۱۱۵۳/۸۵F$$

به مبلغ فوق حق بیمه فنی (ثابت) و حق بیمه تکمیلی ۸۲۲ فرانک اضافه می‌شود و در نهایت، یک درآمد ارضی ۱۲۵۰۰ فرانک میزان کل حق بیمه عبارت است از:

$$۱۱۵۳/۸۵ + ۵۴۷۲ + ۸۲۲ = ۷۴۴۷/۸۵ \text{ فرانک}$$

محاسبه میزان حق بیمه نیروهای کار خانوادگی *
در این نظام، حق بیمه هر نیروی کار خانوادگی که بر روی واحد بهره برداری کار می‌کند، برابر است با $\frac{۲}{۳}$ حق بیمه سرپرست بهره برداری؛ و در صورتی که نیروی کار بالغ نباشد، میزان حق بیمه $\frac{۱}{۳}$ حق بیمه سرپرست بهره برداری است.

مثال: حق بیمه یک نیروی کار خانوادگی (بالغ) در ارتباط با واحد بهره برداری مذکور در بالا به صورت زیر محاسبه می‌شود: $۴۹۶۵/۲۳۴ = \frac{۲}{۳} \times ۷۴۴۷/۸۵$
ب - محاسبه حق بیمه بازنشستگی کشاورزان بر اساس درآمدهای شغلی:

محاسبه حق بیمه بر روی یک واحد بهره برداری که در آمد شغلی آن $۸۰/۱۰۰۰$ فرانک برآورد شده است و در آن سرپرست واحد بهره برداری با همسر و یک نیروی کمکی خانوادگی کار می‌کند به شرح زیر است:

- ۱ - حق بیمه سرپرست واحد بهره برداری:
- حق بیمه فنی بیمه پیری کشاورزی $۸۰۰۰۰ \times ۸/۳۶ = ۶۶۸۸$ (فرانک)
- تخفیف کلی $۵۰۴ + ۶۱۸۴ = - ۶۱۸۴$
- حق بیمه تکمیلی $۸۰۰۰۰ \times ۲/۴۱ = ۱۹۲۸$
- حق بیمه انفرادی $۸۰۰۰۰ \times ۳/۱۰ = ۲۴۸۰$
- جمع حق بیمه بهره بردار (سرپرست) $۶۱۸۴ + ۱۹۲۸ + ۲۴۸۰ = ۱۰۵۹۲$

- ۲ - حق بیمه همسر بهره برداری (حق بیمه انفرادی): $۸۰۰۰۰ \times ۳/۱۰ = ۲۴۸۰$

- ۳ - حق بیمه نیروی کمکی خانوادگی:
الف - حق بیمه فنی: $۴۰۰ = ۱۴۲۲۴ \times ۸/۳۶ =$ فرانک ۱۱۸۹
- تخفیف قراردادی $۱۱۸۹ - ۵۰۴ = ۶۸۵$

- حق بیمه تکمیلی $14224 \times 2/41 = 345$
- حق بیمه انفرادی $81000 \times 3/10 = 2480$
- حق بیمه کامل خانواده‌دگی $685 + 345 + 2480 = 3508$

کل حق بیمه واحد بهره‌برداری مذکور:

- سرپرست واحد 10592
- همسر سرپرست 2480
- نیروی کار خانواده‌دگی 3508

جمع‌ها = 16580 فرانک

حق بیمه اجتماعی کارگران کشاورزی و گروه‌های مشابه (غیر بهره‌برداران).

همچنانکه قبلاً اشاره شد در نظام کشاورزی دو نوع حق بیمه فنی و تکمیلی وجود دارد که هم در مورد بهره‌برداران و هم در مورد کارگران کشاورز اعمال می‌شود. در مورد کارگران کشاورز پرداخت حق بیمه به قرار زیر است:

الف - حق بیمه فنی:

- بیماری، زایمان، از کار افتادگی و فوت، $1/11$ به عهده کارفرما و $7/5$ به عهده کارگر است.
 - بیمه پیری، $2/8$ به عهده کارفرما و $6/5$ به عهده کارگر است که در مجموع $14/5$ می‌شود. از این میزان، $1/6$ درصد کل دستمزد نیز اضافه می‌شود که آن هم بر عهده کارفرماست.

- حق بیمه مزبوط به بیوگان (Veuvage) $1/10$ کل درآمد کارگر و بر عهده خود او است.

- منبای پرداخت بیمه فنی، میزان حقوق کارگران است که به همان ترتیب نظام

عمومی بیمه‌های اجتماعی عمل می‌شود ولی در مورد برخی از گروه‌های مشابه، مانند

مزارعه گران خردده پایه‌مبنای حق بیمه، حقوق قراردادی (ForFaitaire) یا حقوق معینی است که سازمان بیمه مشخص می‌کند.

۲- بیمه حوادث ناشی از کار و بیماری‌های شغلی. این بیمه با نظام عمومی مطابقت دارد و حق بیمه آن منحصرأ بر عهده کارفرمایان است. در این مورد، نرخ حق بیمه می‌تواند به دو صورت تعیین شود:

۱- یک نرخ جمعی که هر سال با مصوبه وزارتت مشخص می‌گردد و بر اساس نوع حوادث متفاوت است. این نرخ مربوط به مؤسسات یا بهره‌برداریهائی است که کمتر از ۲۰ کارگر در آن‌ها مشغول به کارند.

۲- بهره‌برداریهائی که بین ۲۰ تا ۷۵ کارگر دارند و نرخ بیمه جمعی آن‌ها ۸۰٪ و نرخ ویژه آن‌ها ۲۰٪ است.

۳- بهره‌برداریهائی که بین ۷۵ تا ۳۰۰ کارگر دارند و نرخ ویژه آن‌ها با نرخ بیمه جمعی آن‌ها جمع می‌شود.

۴- بهره‌برداریهائی که دارای ۳۰۰ کارگر و بیشتر هستند و نرخ ویژه آن‌ها ۱۰۰٪ است. ب- حق بیمه تکمیلی:

این حق بیمه در سطح ملی ثابت است و بین ۲٪ تا ۳٪ درصد است.

تفاوت‌های موجود بین حق بیمه کارگران و بهره‌برداران کشاورزی:

نظام جدید محاسبه حق بیمه بخش کشاورزی سنی در هماهنگی نمودن میزان حق بیمه کشاورزان و کارگران (مزدبگیران) را داشته است. با وجود این، می‌توان ۳ عنصر تفاوت عمده بین رژیم مزدوری و رژیم غیر مزدوری را برشمرد:

۱- حقوق بازنشستگی کارگران بر اساس ۱۱ سال از بهترین سال‌های کارگر محاسبه می‌شود در حالی که بازنشستگی کشاورزان بهره‌بردار بر اساس کل سال‌های فعالیت آن‌ها محاسبه می‌گردد؛ بنابراین برای مزدبگیران سال‌های کار با حقوق کم کنار گذاشته می‌شود.

در حالی که برای کشاورز حتی سال‌های اولیه کار او که به عنوان نیروی کار خانوادگی به کار مشغول بوده است و حداقل دریافتی را داشته است، نیز مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

۲- بازنشستگی کارگران دارای حداقلی به نام حداقل مشارکتی است که سالانه به ۳۷۰۰۰ فرانک بالغ می‌شود در حالی که حداقل بازنشستگی کشاورزان کمتر از ۲۸۰۰۰ فرانک است.

۳- همسران بازمانده از کارگران تا سقف معینی می‌توانند از مجموع مستمری همسر فقید خود و نیز از بازنشستگی خود استفاده کنند در حالی که برای کشاورزان چنین حتی وجود ندارد.

البته تا گفته نماند که در سال‌های اخیر کوشش‌هایی به منظور یکسان‌سازی و تطبیق نظام کشاورزی با دیگر نظام‌ها صورت گرفته و تدریجاً این امر در حال تحقق یافتن است.

کمک‌های فوق‌العاده به کشاورزان:

۱- کمک به کشاورزان دارای مشکل

از سال ۱۹۸۸ وزارت کشاورزی مقرراتی را به منظور کمک به کشاورزان دارای مشکل وضع نمود که هدف از آن کاهش هزینه‌های مالی کشاورزی است. این کمک توسط کمیسیونی تصویب می‌شود. معمولاً در ارتباط با این نوع کمک‌ها تنها تقاضای فردی با مدت سررسید ۲ سال پذیرفته می‌شود و در مواردی که کشاورزان در وضعیت مالی و استقراری بسیار اسفناکی قرار گیرند می‌توانند از کمک دولت برای پرداخت حق بیمه خود استفاده نمایند و چنین تعهدی از جانب دولت در ارتباط با پرداخت حق بیمه در دو حالت امکان‌پذیر است:

الف - این کمک برای ادامه بهره برداری الزامی باشد؛

ب - قطع فعالیت کشاورزی غیر قابل اجتناب باشد و برای اینکه این فعالیت در

شرایط قابل قبول و مناسبی از لحاظ اجتماعی ادامه یابد، به چنین کمکی نیاز است.

۲- کمک‌های اجتماعی بیمه بارداری

در مورد زنان باردار کشاورز، از زمانی که زن کشاورز بارداری خود را اعلام نمود، مورد آزمایشات هفتگانه‌ای قبل از تولد فرزند و یک آزمایش بعد از تولد فرزند قرار خواهد گرفت که همه آن‌ها اجباری بوده و هزینه آن‌ها نیز ۱۰۰ درصد پرداخت خواهد شد. در مدت چهار ماه آخر بارداری نیز تمام زنان باردار از مزایای هزینه‌های پزشکی به صورت صد در صد استفاده می‌کنند به استثنای هزینه‌های دارو که به میزان ۳۵ درصد معافیت برخوردار می‌شوند. مدت بستری شدن در بیمارستان یا زایشگاه ۱۲ روز پیش بینی شده است و روزهای احتمالی اضافی نیز تا ۸۰ درصد باز پرداخت می‌شود و نیز کشاورزانی که قادر به ادامه کار بهره‌برداری به دلیل بارداری نیستند می‌توانند کمک هزینه‌ای برای استخدام کارگر در مدت غیبت از کار دریافت نمایند و این کمک پرداختی مربوط به یک زمان ۶ هفته‌ای قبل از زایمان و ۱۰ هفته بعد از آن است؛ ولی حداکثر کمک پرداختی برای مدت ۵۶ روز در وضعیت بارداری عادی یا ۷۰ روز در مورد عمل سزارین یا تولد فرزند بیش از یکبار است. مبلغ کمک نیز معمولاً برابر با ۹۰ درصد هزینه جایگزین فرد دیگری به جای زن باردار است.

۳- کمک‌های خانوادگی:

کمک به فرزندان بدون شرط درآمد در مدت ۵ ماه قبل از تولد و ۴ ماه بعد از تولد، یعنی در مجموع به مدت ۹ ماه پرداخت می‌شود. این کمک می‌تواند به مدت ۳ ماه ادامه یابد به این شرط که درآمد یک زوج خانوادگی از سقف معینی تجاوز ننماید. این سقف در سال ۱۹۹۵ برای خانواده‌هایی که یک حقوق دارند ۱۰۳۳۸۳ فرانک در سال و برای خانواده‌هایی که دارای ۲ فرزندند ۱۲۴۰۶۰ فرانک در سال و برای هر فرزند اضافی ۲۴۸۱۲ فرانک بوده است. این سقف در حالتی که هر دو نفر (زن و شوهر) شاغل باشند، به میزان ۳۳۲۴۲ فرانک افزایش می‌یابد.

۴- کمک آموزشی خانوادگی:

این کمک به خانواده‌ها یا افرادی تعلق می‌گیرد که در طول ماه ژوئیه و قبل از سال تحصیلی، یک کمک خانوادگی، یک کمک هزینه مسکن، کمک به ازکارافتادگان بالغ، یا یک حداقل اعلام شده دریافت کرده باشند. برای اینکه چنین حقی ایجاد شود فرزندان بایستی بین ۶ تا ۱۶ سال سن داشته باشند و به مدرسه بروند. این سن در صورتی که فرزندان ادامه تحصیل دهند تا ۱۸ سال نیز افزایش می‌یابد. مبلغ این کمک برای هر فرزند ۴۱۶ فرانک بوده است.

۵- مدد معاش مسکن:

این کمک به کشاورزانی تعلق می‌گیرد که یک کمک خانوادگی به هر عنوان دریافت می‌کنند و یا به کسانی که حداقل دارای یک فرزند باشند. این کمک همچنین به زوج‌های بدون فرزند که از دواج آن‌ها ۴۰ سال نگذشته باشد تعلق می‌گیرد و نیز به زوج‌ها و یا اشخاصی که فردی از خانواده خود را که بالاتر از ۶۵ سال داشته باشد و یا ۶۰ ساله قادر به کار کردن نباشند و یا یک معلول ۸۰ درصد راتحت تکفل خود داشته باشد. اندازه (مساحت) مسکن، حداقل بایستی ۲۵ متر مربع برای ۱ نفر باشد و در وضعیت بیشتر از ۲ نفر، بایستی برای هر فرد اضافی ۹ متر افزوده شود. مسکن بایستی از امکانات لازم برخوردار باشد.

۶- مدد معاش مسکن اجتماعی:

این مدد معاش شامل کسانی می‌شود که نمی‌توانند از مدد معاش مسکن به صورت خانوادگی استفاده کنند:

- افراد مسن بالاتر از ۶۵ سال و یا ۶۰ ساله بدون کار و یا کسانی که از یک بازنشستگی زودرس همانند زرمندگان سابق استفاده می‌کنند؛
- بدون شرط سنی، معلولینی که از یک معلولیت حداقل ۸۰ درصد برخوردارند و یا کسانی که در تلاش به دست آوردن کار هستند؛
- جوانان مزدبگیر کشاورز و یا کارآموزان کشاورزی که کمتر از ۲۵ سال سن داشته

و با والدین خود زندگی نمی‌کنند. - افرادی که متقاضی کار بوده و از حقوق بیکاری استفاده نمی‌کنند و یا از حقوق حداقل

(RMI) برخوردارند (ژنه لاتوی، ص ۱۸۱-۱۸۰).

۷- کمک‌های خاص:

۷-۱- کمک معاش حمایت خانواده:

این کمک مربوط به اشخاصی می‌گردد که یک کودک معلول را تحت کفالت دازند. این کمک همچنین به افرادی تعلق می‌گیرد که کودکی را تحت تکفل دارند که پدر یا مادر او را رها کرده و یا به کودکانی که والدین آن‌ها در شرایط بیکاری به سر برده و یا در زندان باشند. مبلغ این کمک در حالتی که هر دو والد در خانه نباشند و تا فقط یکی از آن‌ها حضور داشته باشد متفاوت است.

۷-۲- مدد معاش نگهداری کودک در منزل:

این کمک، هدفش تأمین تمام هزینه یا بخشی از هزینه خانواده‌هایی است که فردی را برای نگهداری فرزندشان در خانه استخدام می‌کنند. برای استفاده از این مدد معاش زن و شوهر یا یکی از آن‌ها بایستی دارای یک فعالیت شغلی در طول نگهداری فرزند باشند. این کودکان بایستی کمتر از ۳ سال داشته باشند. و مدد معاش مذکور به‌گونه‌ای سقف مشخصی است، ۳ ماهه پرداخت می‌شود.

۷-۳- مدد معاش آموزش‌های خاص:

این می‌د مدد معاش به خانواده‌های کشاورزی تعلق می‌گیرد که یک فرزند معلول کمتر از ۲ سال را تحت تکفل خود دارند. متقاضی بایستی معلول ۸۰ درصد باشد و در مؤسسات ویژه هم پذیرفته نشده باشد. چنانچه معلولیت فرزند مستلزم هزینه‌های خاص و گرانتر باشد و یا مستلزم کمک از فرد دیگری باشد (شخص ثالث)، به مبلغ این مدد معاش اضافه خواهد شد. البته چنانچه کودک مدتی بستری شود، این مدد معاش قطع خواهد شد.

۴-۷- مدد معاش معلولین بالغ:

غیر مزدبگیرانی که از سن ۱۶ سالگی گذشته‌اند و میزان معلولیت آن‌ها نیز معادل ۸۰ درصد است می‌توانند از این مدد معاش استفاده کنند. این مدد معاش همچنین به کسانی تعلق می‌گیرد که معلولیت آن‌ها به ۸۰ درصد نمی‌رسد اما در پیدا کردن کار مشکل دارند.

۵-۷- درآمد حداقل (R.M.I):

بهره‌برداران کشاورز مانند سایر اقشار می‌توانند از R.M.I استفاده کنند. در سال ۱۹۹۵ مبلغ R.M.I به صورت زیر بوده است:

- فرد تنها: ۲۳۲۵/۶۶ فرانک؛

- ۲ نفر: ۳۰۲۳/۳۵ فرانک؛

- ۳ نفر: ۳۷۲۱/۰۴ فرانک؛

- و برای هر فرد اضافی ۹۳۰/۲۶ فرانک؛

این کمک در حالتی به کشاورزان تعلق می‌گیرد که ارزش اجاره‌ای (Revenu Cadastral)ی واحد بهره‌برداری از سقف معینی تجاوز نماید. (ژنه لاتری، ص ۱۸۶) جدول ۳ انواع کمک‌های خانوادگی به کشاورزان را در رابطه با شرط و بدون شرط درآمد خانواده نشان می‌دهد:

سازمان اداری و مالی بیمه‌های اجتماعی کشاورزی

۱- سازمان اداری:

بدون‌بایستی متذکر این نکته شویم که قانون ۱۲ مه ۱۹۶۰، عمیقاً ساختار سازمان اداری را با ادغام انواع مختلف صندوق‌ها در یک صندوق واحد تحت عنوان (صندوق موتوالیته اجتماعی کشاورزی) متحول نموده است. شورای اداری متشکل از منتخبین سه گروه متفاوت هستند که توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. این سه گروه عبارتند از:

الف - بهره‌برداران، پیشه‌وران روستائی و سایر کارکنان مستقل، به‌شغل مرتبط با

جدول ۳- انواع کمک به خانواده‌های کشاورز در رابطه با شرط و بدون شرط درآمد -

ردیف	نوع کمک	با شرط درآمد	بدون شرط درآمد
۱	کمک‌های خانوادگی		X
۲	کمک به حقوق تنها	X	
۳	مرخصی تولد فرزند		X
۴	کمک‌های قبل از تولد		X
۵	کمک‌های بعد از تولد (مثل کمک مربوط به زایمان)		X
۶	غرامت‌های جبرانی		X
۷	کمک هزینه مسکن	X	
۸	کمک هزینه جابجایی (متزل)	X	
۹	وام تعمیر مسکن		X
۱۰	کمک هزینه مادر در خانه	X	
۱۱	کمک هزینه آموزش‌های خاص		X
۱۲	کمک هزینه مربوط به افراد یتیم		X
۱۳	کمک هزینه افراد بالغ معلول	X	
۱۴	افزایش حقوق واحد یا مادر در خانه	X	
۱۵	کمک هزینه نگهداری	X	
۱۶	کمک هزینه آغاز سال تحصیلی	X	
۱۷	وام زوج‌های جوان	X	
۱۸	کمک هزینه والدین تنها	X	
۱۹	کمک هزینه مکمل خانوادگی	X	
۲۰	کمک‌های شخصی خاص مربوط به مسکن	X	

منبع: آل بازو، ص ۱۵۲

کشاورزی که کارگران مزد بگیر دائم به کار نمی‌گیرند؛

ب - کارگران مزد بگیر کشاورزی و کارگران پیشه‌های روستائی و افراد خانواده‌های آنان که با آنها کار می‌کنند؛

پ - بهره‌برداران، سرپرستان مؤسسات کشاورزی و پیشه‌وران روستائی که نیروی کار مزدور به صورت دائمی استخدام می‌کنند و نیز اعضاء غیر مزد بگیر خانوادگی که با

- آن‌ها کار می‌کنند.
- ۲- نمایندگان بخش:
- در هر روستا^۴ (Commune) اعضاء اولین و سومین گروه، نمایندگان کیمون را انتخاب می‌کنند و آن‌ها نیز به نوبه خود نمایندگان بخش (Canton) را برمی‌گزینند. اعضاء دومین گروه (کارگران) مستقیماً نمایندگان بخش را انتخاب می‌کنند.
- ۳- مجمع عمومی:
- مجموع نمایندگان کانتون (بخش) در سطح منطقه، مجمع عمومی دپارتمانی را تشکیل می‌دهند. مجمع، اعضاء شورای اداری صندوق را که متشکل از سه عضو هستند انتخاب می‌کنند - که به این تعداد دو نفر هم از جانب اتحادیه دپارتمانی (شهرستان)ی انجمن‌های خانوادگی اضافه می‌گردند.
- در سطح ملی (National) تا دسامبر ۱۹۹۳، صندوق مرکز موتوالیته اجتماعی کشاورزی به ترتیب هر کدام یکی از شعبات حمایت اجتماعی کشاورزی را پوشش می‌داد:
- ۱- صندوق مرکزی کمک‌های متقابل کشاورزی که مسئول بیمه‌های اجتماعی و حوادث ناشی از کار کارگران بود؛
 - ۲- صندوق مرکزی کمک هزینه‌های خانوادگی کشاورزی که مشمول کمک‌های خانوادگی کارگران و غیر کارگران بود؛
 - ۳- صندوق ملی بیمه‌های پیری کشاورزی که مشمول نیمه پیری و امور بیوگان غیر مزدبگیر بود.
- صندوق‌های فوق طبق قانون ۱۰ فوریه ۱۹۹۴ در هم ادغام گردیدند.
- ۴- ساختار گزینشی مرتولیه اجتماعی کشاورزی:
- موتوالیته اجتماعی کشاورزی، مؤسسه غیر متمرکزی است که مبتنی بر ساختی گزینشی است و تمام جمعیت روستائی را در برمی‌گیرد. تمام افرادی که مربوط به جامعه روستائی

و کشاورزی (۳/۵ میلیون رأی دهنده در سال ۱۹۹۹) و دارای شرایط رأی دادن هستند (یعنی ۱۶ سال داشته باشند)، در ۳ گروه به شرح زیر قرار می‌گیرند:

- گروه اول شامل بهره‌برداران کشاورزی می‌شوند. بهره‌بردارانی که نیروی کار را به خدمت نمی‌گیرند و اعضاء خانواده آنان اگر در بهره‌برداری کار می‌کنند، مزدی دریافت نمی‌نمایند و نیز بازنشستگان و معلولینی که از بیمه بیماری استفاده می‌کنند و همسران آنها؛

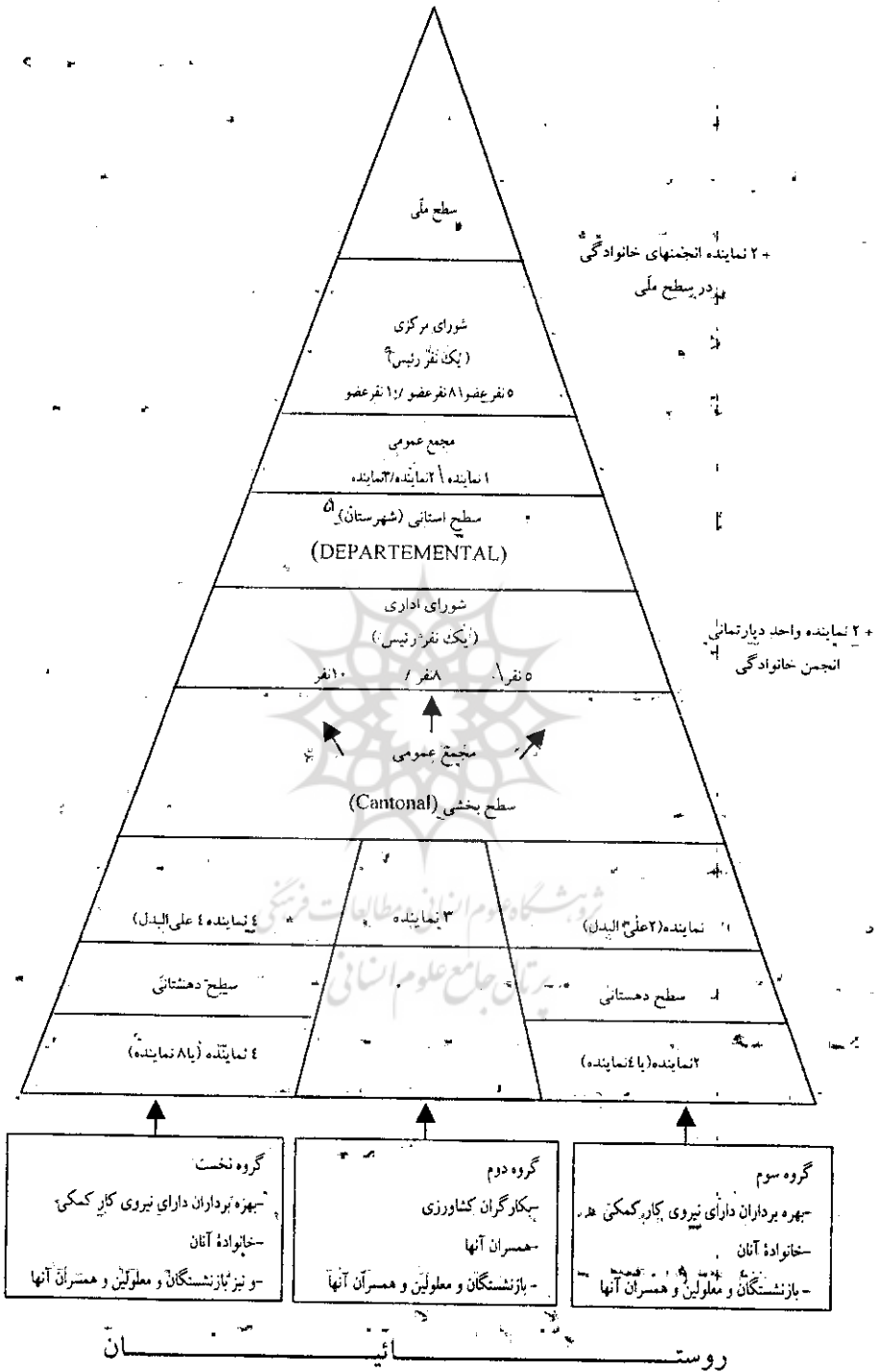
- دومین گروه شامل کارگران کشاورز، معلولین ناشی از کار، بازنشستگان و معلولینی که از بیمه بیماری استفاده می‌کنند و نیز همسران آنها؛

- سومین گروه شامل بهره‌برداران کشاورزی می‌گردد که نیروی کار به خدمت می‌گیرند، اعضاء غیر مزدبگیر خانواده آنان که با آنها کار می‌کنند، بازنشستگان و معلولینی که از بیمه بیماری استفاده می‌کنند و نیز همسران آنها.

از سال ۱۹۸۴، انتخابات هر ۵ سال انجام می‌گیرد و مطابق نمودار شماره ۱ کشاورزان نماینده انتخاب می‌کنند.

۵- متولی بیمه‌های روستایی:

در سطح ملی، وزارت کشاورزی با کمک شورای عالی به نام شورای عالی کمک‌های اجتماعی کشاورزی و در سطح شهرستان و منطقه رئیس سرویس منطقه‌ای نظارت، بزرگ اشتغال و سیاست اجتماعی کشاورزی، قیومیت این نهاد را بر عهده دارند.



نمودار ۱- ساختار گزینشی متوالیته اجتماعی کشاورزی

خلاصه و نتیجه گیری

در طول قرون گذشته روستاییان کشور فرانسه به منظور مقابله با خسارات و مشکلات ناشی از مرگ و میر حیوانات به صورت خودجوش به ایجاد نهادهایی محلی تحت عنوان Mutuelle اقدام نمودند. این نهادها تا سال ۱۸۸۴ پایگاه و چارچوب معین و مشخصی نداشتند. در این سال در چارچوب سندیکاهای کشاورزی، روستاییان اجازه یافتند دارای تشکیلات صنفی شوند و سازمان‌های بازنشستگی و اولین سنگ بنای بیمه‌های روستایی را بنا نهند. در واقع قانون ۲۱ مارس ۱۸۸۴ اولین قدم در مقابل وجود شرایط نابرابر لیبرالیسم اقتصادی حاکم بر جامعه آن زمانی تلقی می‌شود و به دنبال آن قانون ۴ ژوئیه ۱۹۰۰، موجودیت بیمه‌های اجتماعی روستائی را به رسمیت شناخت و آن را تحت عنوان موتوالیته ۱۹۰۰ نامید.

از سال ۱۹۲۸ که اولین ساختارهای قانونی بیمه‌های روستایی استقرار یافت، بیمه‌های اجتماعی (A.S.A) در مورد تمام مزدبگیران و با مشارکت کارفرمایانی که می‌بایستی هزینه آن‌ها را بر عهده بگیرند برقرار گردید.

پوشش اجتماعی بهره‌برداران کشاورزی با تأخیر صورت گرفت، ولی در فاصله بعد از جنگ تا سال ۱۹۶۱، قانون ۲۵ ژوئیه بیمه‌های بیماری، زایمان، پیری، و از کارافتادگی را برای آنان برقرار ساخت و در حقیقت این مرحله بسیار اساسی در تاریخ حمایت‌های اجتماعی محسوب می‌گردد. در این فاصله، قانون ۸ ژوئن ۱۹۴۹ با توجه به این که به کشاورزان حق انتخاب نمایندگان خود را داده است از اهمیت زیادی برخوردار است. بر اساس نظام و مدیریت دموکراتیک، رأی دهندگان به اعضاء شورای آذاری رأی می‌توان به ۳ گروه تقسیم نمود:

۱- بهره‌برداران کوچک خانوادگی که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - بهره‌برداران کشاورزی که کارگر کشاورزی دائم استخدام نمی‌کنند؛

ب - بهره‌بردارانی که کارگران خانوادگی غیر مزدبگیر دارند.

۲- مزدبگیران که شامل کلیه کارگران کشاورزی از جمله کارگران خانوادگی بهره‌برداری‌ها و مزدبگیران سازمان‌های کشاورزی می‌گردد؛

۳- کارفرمایان (بهره‌برداران بزرگ) که از یک طرف تمام بهره‌برداران کشاورزی که کارگر دادیم استخدام می‌کنند را شامل می‌شود و از طرف دیگر اعضای خانواده این بهره‌برداران را که بر روی بهره‌برداری کار می‌کنند، اما مزدبگیر نیستند. در حال حاضر گروه‌های مورد حمایت متوالیته اجتماعی کشاورزی به شرح زیر است:

الف - مزدبگیران بخش کشاورزی و گروه‌هایی نظیر:

۱- مزدبگیران بخش کشاورزی؛

۲- کارآموزان و شاگردان (دانشجویان و دانش‌آموزان) کشاورزی؛

۳- مزدبگیران خانگی؛

۴- مزدبگیران سازمان‌های کشاورزی؛

۵- سهم‌بران کوچک (مزارع‌گران) که در سطح مزدبگیران هستند. (سهم‌بران معمولاً تنها یا با کمک افراد خانواده خود کار می‌کنند و ارزش سرمایه کشاورزی آن‌ها از سقف معینی تجاوز نمی‌کند.

د. دامنه حمایت بیمه‌های اجتماعی کارگران کشاورزی با دامنه حمایت سایر کارگران بخش صنعت و خدمات از یکسانی کامل برخوردار است. از تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲ نیز بخش کشاورزی به رژیم بازنشستگی تکمیلی نظام عمومی (Le regime general) ملحق گردیده است.

ب - غیر مزدبگیران:

غیر مزدبگیران شامل گروه‌های زیر می‌گردند:

۱- بهره‌برداران کشاورزی که واحد بهره‌برداری یا مؤسسه کشاورزی آنان دارای

اندازه‌ای برابر یا حداقل سطح استقرار (surface minimum d'installation=S.M.I) باشد؛

۲۰- افرادی که یک واحد بهره‌برداری برابر با $\frac{1}{4}$ حداقل سطح استقرار داشته باشند؛
 ۳- افراد یا مؤسساتی که اندازه و اهمیت بهره‌برداری آنان به حد تعیین شده نمی‌رسد و در مورد آنان یک آستانه امکان استفاده از مزایای بیمه‌ای بر حسب میزان کار در نظر گرفته شده است که معادل (S.M.I) باشد (یعنی ۱۰۲۰۰ ساعت کار در سال ضرب در تعداد اعضاء و همکارانی که در کار مشارکت دارند)؛

۴- اعضاء خانواده بهره‌بردار کشاورز که شامل اسلاف و اعقاب، برادران، خواهران و دیگر منسوبین نزدیک رئیس بهره‌برداری یا همسر او می‌شود؛
 ۵- غیر مزدبگیرانی که بر روی بهره‌برداری کار می‌کنند و در کارهای آن مشارکت دارند؛

۶- همسر بهره‌بردار که در بستاری از بهره‌برداری‌ها از یک پایگاه "همکار" بهره‌بردار سود می‌جوید و با او نوعی تساوی حقوق پیدا می‌کند.

ویژگی‌های خاص موتوالیته کشاورزی:

ویژگی‌های خاص موتوالیته اجتماعی کشاورزی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:
 الف - به لحاظ اقسام اجتماعی تحت پوشش آن:

در حالی که سایر رژیم‌های تأمین اجتماعی گروه‌های کلاسیک را تحت پوشش دارند (مزدبگیران، کارفرمایان، مشاغل آزاد و...) موتوالیته اجتماعی کشاورزی مجبور است شرایط خود را با وضعیت اقسام مختلف و متنوع مرتبط با بخش کشاورزی تطبیق دهد؛ از جمله: کارکنان خانوادگی که بر روی بهره‌برداری کار می‌کنند و در امور بهره‌برداری مشارکت می‌کنند، سهم‌بران و...

ب - به لحاظ ساختارهای اداری:

موتوالیته اجتماعی کشاورزی به عنوان یک "رژیم عمومی کشاورزی" فعالیت می‌کند و برخلاف "رژیم عمومی" که غیر مزدبگیران را فقط در ارتباط با کمک‌های خانوادگی

تحت پوشش دارد، موتوالیته به صورت یک مجموعه به هم پیوسته واحد، تمام گروه‌های اجتماعی را که به اصطلاح دنیای کشاورزی را تشکیل می‌دهند، سرویس می‌دهد (مراجعه شود به سازمان اداری موتوالیته) و اداره موتوالیته بدین نحو است که گروه‌های مختلف منتفع از آن، به مشارکت در انتخابات شوراهای اداری دعوت می‌شوند.

پ - از لحاظ مالی ویژگی‌های موتوالیته به شرح زیر است:

مسایل مالی اجتماعی بخش کشاورزی از ابتدا، تحت تأثیر شرایط جمعیتی و اقتصادی خاصی قرار داشته است که می‌توان آن‌ها را در موارد زیر مشخص نمود:

۱ - ضعف درآمد کشاورزی: سهم درآمد کشاورزی در درآمد ملی نه فقط منطبق با میزان جمعیت فعال کشاورزی نسبت به مجموع جمعیت فعال نیست، بلکه دائماً رو به کاهش است؛

۲ - عدم توانایی بخش کشاورزی در تأمین هزینه‌های اجتماعی آن به دلیل پایین بودن قیمت تمام شده محصولات کشاورزی؛

۳ - عامل جمعیتی که به کاهش مستمر جمعیت فعال در بخش کشاورزی و پیری این جمعیت مربوط می‌شود. سن متوسط جمعیت کشاورز افزایش یافته است و به دلیل عدم وجود درآمد کافی، بهره‌برداران کشاورزی تا زمانی طولانی به فعالیت خود ادامه می‌دهند و جوانان کشاورزی را ترک می‌گویند. بدین صورت که به محض رسیدن به سن بازدهی، به بخش صنعت یا خدمات روی می‌آورند و بنابراین پرداخت هزینه‌های اجتماعی این بخش‌ها را بر عهده می‌گیرند. ضمن اینکه بر این پدیده بایستی پدیده پیری جمعیت را نیز افزود که موجب افزایش هزینه‌های بازنشستگی و بیماری می‌گردد؛

۴ - عدم تعادل موجود در رابطه میان پرداخت کنندگان حق بیمه و افراد غیر فعال در نظام کشاورزی غیر قابل بهره‌تر است و چون تنها میزان پرداختی‌های بیمه‌شدگان شغلی برای مجموع هزینه‌های بیمه‌های کشاورزی کافی نیست، بخش کشاورزی همیشه

*مجبور بوده است برای جبران ثمرات به طرق زیر کمک های دولت و کمک های خارج از کشاورزی تکیه کند:

- ۱- حق بیمه های اجتماعی؛
- ۲- مالیات هایی که بز روی برخی محصولات کشاورزی بسته می شود؛
- ۳- کمک ناشی از تعادل بین نسل های اجبران جمعیتی (Compensation demographic)؛
- ۴- درآمدهای مختلف مثل مالیات بز روی دخانیات، محصولات جنیگی، مالیات بر روی تولیدات الکلی، بخشی از مالیات اتومبیل و بخشی از T.V:A علاوه بر این رژیم کشاورزی از صندوق ملی همبستگی (F.N.S) کمک دریافت می نماید؛
- ۵- سوبسید (یارانه) دولت.

نکات و پیشنهادهای چند به منظور استقرار یک سازمان بیمه های روستایی در ایران^۴ آنچه در این گزارش با استفاده از ده ها منبع پژوهشی و علمی مؤرد بحث قرار گرفته است با هدف اقتباس کامل و یا طرح الگویی کاملاً مناسب برای کشور ما نیست، بلکه منظور استفاده کارشناسان و دست اندرکاران تأمین اجتماعی ایران از تجارب فرایند شکل گیری و توسعه بیمه های روستایی در فرانسه - در طی بیش از یک قرن است - بدون شک مراحل و فراز نشیب هایی که نهاد بیمه روستایی فرانسه که خود یکی از پیشرفته ترین کشورهای جهان از این نظر است - طی کرده است و راه کارهایی که کارشناسان آن برای مقابله و حل مشکلات و تنگناها ارائه داده و به کار بسته اند، با توجه به همسانی بسیاری از ویژگی ها و مسایل روستایی در جهان، می تواند برای جامعه روستایی ما راهگشا باشد؛

در حال حاضر، جز در مورد بخش کوچکی از مزدبگیران جمعیت روستایی، آن هم در زمینه با خدمات درمانی، جامعه روستایی - اعم از کشاورز - و غیر کشاورز، از

خدمات، بیمه اجتماعی فراگیر در زمینه بازنشستگی، از کار افتادگی، فوت و خیسارت ناشی از حوادث طبیعی، بهره‌ای ندارند. ضمن آن که نباید سازمان‌ها و نهادهای حمایتی فعال در روستاهای کشور را از نظر دور داشت.

این سازمان‌ها و نهادهای حمایتی که تاریخ تأسیس آن‌ها به بعد از انقلاب اسلامی مربوط است عبارتند از:

- ۱- سازمان بهزیستی؛
- ۲- کمیته امداد امام؛
- ۳- بنیاد مستضعفان و جانبازان؛
- ۴- بنیاد شهید انقلاب اسلامی؛
- ۵- بنیاد پانزده خرداد؛

ارائه آمار و اطلاعات دقیقی در ارتباط با جمعیت تحت پوشش برنامه‌های حمایتی و امدادی در روستاها کار دشواری است؛ زیرا

اولاً - هر پنج نهاد فوق‌الذکر در سطح روستاها فعالیت دارند؛
ثانیاً - نوع کمک‌های حمایتی متفاوت است و نحوه یکسانی نه در ارائه خدمات و نه در میزان آن‌ها وجود ندارد؛

ثانیاً - هر یک از نهادهای فوق با اهدافی متفاوت بر گروه‌هایی متفاوتی از مددجویان تاکید دارند. به عنوان مثال خدمات حمایتی بهزیستی بیشتر حول محور حمایت از خانوارهای بی سرپرست مهاجرین جنگ تحمیلی به صورت پرداخت مستمری است و خدمات کمیته امداد عمدتاً در راستای اهداف طرح شهید رجایی، اعطای وام خودکفایی، کمک هزینه ازدواج و اعطای وام قرض الحسنه است؛ در حالی که بنیاد شهید که در چارچوب اهداف خود تاکید بر خانواده شهید دارد، تنها قشر خاصی را تحت پوشش خود قرار می‌دهد و بنیاد مستضعفان و جانبازان به مستمری بگیر جنگ تحمیلی نظر دارد؛

گواینکه در مجموع رقم قابل ملاحظه‌ای از جمعیت روستایی زیر پوشش این نهادهای قرار دارند؛ معهداً اهداف کلی برنامه‌های بیمه اجتماعی روستایی - که در کشورهای پیشرفته، مواردی مثل بازنشستگی در راستای تضمین آینده خانوارهای روستایی و از کارافتادگی و فوت را به طور کامل می‌پوشاند - نمی‌تواند در چنین وضعیتی از پراکندگی و گونه‌گونی خدمات، در عمل متحقق گردد.

با توجه به آنچه که گفته شد، به نظر می‌رسد که ایجاد یک سازمان مستقل تأمین اجتماعی در سطح روستاهای کشور که از یک سو بیمه‌های اجتماعی روستایی را در چارچوب حقوق بازنشستگی، از کار افتادگی و بازماندگان کارکنان بخش کشاورزی برقرار نماید و از سوی دیگر کمک‌های خانوادگی، بیماری، زایمان حوادث ناشی از کار را به طور یکسان و فراگیر نسبت به اقشار غیر کشاورز روستایی ارائه دهد، مستلزم وجود یک تشکیلات منسجم ناشی از ادغام نهادهای مختلف امور بیمه‌ای، حمایتی و امدادی در یک سازمان واحد است.

هرگونه برنامه‌ریزی و توسعه و گسترش خدمات سه‌گانه فوق در سطح روستاها بدون ایجاد هماهنگی یا ادغام و یکسانی نهادهای مذکور امکان‌پذیر نمی‌باشد. پرواضح است که انجام چنین وحدتی پیش از هر چیز به انجام یک پژوهش اجتماعی - اقتصادی وسیع در سطح جامعه روستایی ایران نیاز دارد.

توضیحات:

۱. نمونه‌های فراوانی از نهادهای سنتی مشابه در روستاهای ایران وجود داشته‌اند. (فرهادی، ۱۳۷۳).
۲. چنانچه حیوان در نتیجه بیماری تلف می‌شد آن را به دور می‌افکندند و چنانچه به دلایل دیگری از بین می‌رفت بعد از تأیید سالم بودن گوشت آن با قیمت معین بین ساکنین توزیع می‌شد (در واقع فروخته می‌شد).
۳. آبه عنوان مثال چنانچه اجاره زمین در منطقه‌ای سالانه ۳۰۰۰ فرانک باشد حق بیمه از طریق حاصلضرب مبلغ اجاره در ضریب معین به دست می‌آید به قرار زیر:

$$3000 \times \frac{2}{57} = 771.04$$

۴. جمعیت فرانسه بالغ بر ۵۶۶۱۵۱۵۵ نفر است که از این تعداد ۱۴۷۱۷۳۹۶ نفر (۲۶ درصد) در مناطق روستایی شامل ۳۱۲۵۱ کفون زندگی می‌کنند و بقیه یعنی ۴۱۸۹۷۷۵۹ نفر (۷۴ درصد) در مناطق شهری ساکن‌اند. فرانسه در مجموع به ۲۲ منطقه (Region) و ۸۳ دپارتمان (شهرستان) تقسیم می‌شود و تنها ۲/۳۸٪ از کل جمعیت، جمعیت فعال در بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهد.

۵. ۸۵٪ نماینده ذر صورتی که نمون دارای بیش از ۵۰۰ رای دهنده باشد.

۶. ماده ۱۰۱-۱-۷-۳-۱۰ قانون روستا.

۷. اگر از نهادهای سنتی و خودجوش محلی صرف‌نظر کنیم، فرانسه از سال ۱۹۰۰ میلادی رسماً دارای

سازمان مستقل بیمه‌های اجتماعی روستایی بوده است.

منابع و مأخذ

- Bargot, Alain. La Securite Sociale. Son Histoire a Travers Les Textes. Tom IV, La mutualite Sociale Agricole, 919-1981. Paris, 1993.
- Beckerich, Abel. Code de la Famille Rurale.in: La Securite Sociale, Son Histoire a travers les textes. Tom, IV, PP.:134-141, Paris; 1993.
- Bulletin, D. Information De La Mutualite Agricole, Dec 1960.
- Cahiers Francais "La Protection Sociale en France". La Documentation Francaise. no 215 - Mars- avril, 1984.
- Cahiers ISEAN, No331, La Population de la France 1700 a'1959. Janv, 1963.
- Chalmin. P. les Assurance Mutuelles Agricoles. De La Cotise au group.

- Ed: Economica, Paris'1987.
- Chalmin. P. Elements Pour Servir Al. Histoire De La Mutualite Agricole. Paris, 1988.
- Chelle, D, Bousez. F. Code de lamutualite. ed: 2001. Dalloz.
- Congre,s, Natioanl des societes savantes, de la loi de 1850 a'Premiere guerre mondiale, comite d,histoire. De La Securite Social. Paris, 1983.
- 82econgres de la mutualite de la cooperation et du credit agricole. Paris, 200.
- Coulomb, Les Agriculteurs Et La. Politique. Presses De La Fondation Nationale Des Sciences Politique, 1990.
- Debatisse, Michel. Le Proget Paysan. Ed: Seuil. 1983, PP.82-83.
- Droit Social, La Mutualite Agricole. No.11 (Special) Nov 1969.
- Duby. G. La fin De La france Paysanne De 1914 a'Nos Jour. Paris. Seuil, 1978.
- Dumont - Jean -Pierre. Les Systeme Etrangers De Securite Sociale. Economica. Paris, 1989.
- Dupeyroux, Jean - Jacques: DROIT De La securite Sociale, Ed: Dalloz. Paris, 1998.
- Goldman. S. L. agriculture, Les Lois Sociales Et La Mutualite Agricole.